

ضمیمه

۲۵



دفصلنامه ویژه کتاب‌شناسی، نقد کتاب و اطلاع‌رسانی در حوزه متون

دوره جدید، سال دهم، ضمیمه شماره ۲۵، سال ۱۳۹۱

تاریخچه چاپ کتاب‌های فارسی در شبه‌قاره

نوشته

معین‌الدین عقیل

ترجمه

عارف نوشاهی

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)

(Suppl. no. 25)

History of Persian Printing in the Indian Subcontinent

by

Moinuddin Aqeel

Translated by

'Arif Naushahi

Semiannual Journal of Bibliography,
Book Review and Text Information

New Series, Vol. 10, Supplement No. 25, 2012



الحمد لله

توکل بر خداوند

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصلنامه ویژه کتاب‌شناسی، نقد کتاب و اطلاع‌رسانی در حوزه متون

دوره جدید، سال دهم، ضمیمه ۲۵، سال ۱۳۹۱
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۵۱۴۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۷
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تاریخچه چاپ کتاب‌های فارسی در شبه قاره



مؤلف: معین‌الدین عقیل
مترجم: عارف نوشاهی
صاحب امتیاز: مرکز پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدبیر: حسن رضائی باغبیدی
مدیر داخلی: حسناسادات بنی‌طباء

هیأت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه تربیت معلم)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه تربیت معلم)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار کتابخانه ملی)، احد فرامرز قراملکی (استاد دانشگاه تهران)

مشاوران علمی

سید علی آل‌داود، پرویز اذکایی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، غلامرضا جمشیدنژاد اول، جمیل رجب (آمریکا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسس ریشار (فرانسه)، برت فراگتر (اتریش)، پاول لوفت (انگلستان)، احمد مهدوی دامغانی (آمریکا)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرایی: محمود خانی

لیتوگرافی و چاپ: نقره آبی

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، شماره ۱۱۸۲

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
ayenemiras@mirasmaktoob.ir
ayenemiras@gmail.com
http://www.islamicdatabank.com
http://www.srlst.com
http://www.islamicdatabank.com/farsi/f_default.asp
بها: ۳۰۰۰۰ ریال

- نقل مطالب این نشریه با ذکر مأخذ آزاد است.
- آراء مندرج در نوشته‌ها الزاماً مورد تأیید آینه میراث نیست.
- هیأت تحریریه در ویرایش مطالب آزاد است.
- مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نشود، پس فرستاده نخواهد شد.
- در هر شماره تاریخ دریافت (د) و تاریخ پذیرش (پ) در ابتدای مقالات درج می‌شود.
- همه مقالات مندرج در دوفصلنامه دست کم پس از تأیید دو داور چاپ می‌شود.
- نمونه‌نهایی مقاله پس از تأیید نویسنده آن چاپ می‌شود.

از نویسندگان درخواست می‌شود به نکات زیر توجه فرمایند:

- مقاله باید حاصل پژوهشهای نویسنده آن باشد.
- مطلب ارسالی نباید در نشریه دیگری چاپ شده باشد.
- مقاله باید دارای پنج تا ده کلیدواژه و چکیده فارسی حاوی ۱۰۰ تا ۱۲۰ کلمه باشد.
- شیوه نگارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی ملاک و راهنمای ویراستاری مطالب است، بهتر است نویسندگان محترم به منظور تسریع در کار این شیوه را اعمال فرمایند.
- بهتر است هر مقاله روی کاغذ A4 تایپ شود، یا با خط خوش و خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود.
- حتی‌الامکان نمودارها، جداولها و تصاویر به صورت آماده برای چاپ ارائه شوند.
- توضیحات باید به صورت پی‌نوشت در پایان مقاله و پیش از فهرست منابع بیایند.
- ارجاعات باید در درون متن در میان پرانتز آورده شوند. برای ارجاع ذکر این اطلاعات ضروری است:
- نام خانوادگی تاریخ: [جلد/ شماره ص (مثلاً: ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۸/۱)]. اگر ارجاع بعدی به اثر دیگری از همان نویسنده باشد: همو تاریخ: [جلد/ شماره ص (مثلاً: همو ۱۳۷۳: ۱۶)]. اگر ارجاع بعدی به همان کتاب باشد: همان: شماره صفحه. اگر ارجاع بعدی دقیقاً همانند ارجاع قبلی باشد: همانجا.

• برای ارجاع به منابع قدیم، به جای تاریخ، نام کتاب ذکر می‌شود: نام خانوادگی، نام کتاب: [جلد/ شماره ص].

- منابع مقاله باید پس از ارجاعات و توضیحات به صورت زیر مرتب شود:
- کتابهای جدید: نام خانوادگی، نام، تاریخ، نام کتاب، [به کوشش ... / ترجمه ...، چ ...، ج ...، نام شهر.
- کتابهای قدیم: نام خانوادگی، نام، نام کتاب، [به کوشش ... / ترجمه ...، چ ...، ج ...، نام شهر، تاریخ.

- مقاله: نام خانوادگی، نام، تاریخ، «عنوان مقاله»، نام کتاب/ نام مجله، [س ...، ش ...، ص ... - ...].
- همراه هر مطلب ارسالی ضروری است نام و نام خانوادگی نویسنده، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، نشانی کامل پستی و الکترونیکی و شماره تلفن ارسال شود.
- لطفاً مقالات و مطالب را به نشانی دفتر مجله آینه میراث و یا به نشانی پست الکترونیک آینه میراث ayenemiras@mirasmaktoob.ir و ayenemiras@gmail.com ارسال فرمایید.

تاریخ چاپ
کتاب های فارسی در شبه قاره

نوشته
معین الدین عقیل

ترجمه
عارف نوشاهی

فهرست مطالب

۳	جهان اسلام: از دوران دست‌نویس‌ها تا عصر چاپ
۱۰	رواج چاپ در شبه قاره و آغاز چاپ آثار فارسی
۳۰	آغاز چاپ سنگی و رونق چاپ آثار فارسی
۴۰	انحطاط چاپ فارسی
۴۸	سیری کوتاه در فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی

تاریخچه چاپ کتاب‌های فارسی در شبه قاره

محورهای پژوهش در این گفتار به این شرح است:

- I. جهان اسلام: از دوران دست‌نویس‌ها تا عصر چاپ
- II. رواج چاپ در شبه قاره و آغاز چاپ آثار فارسی
- III. آغاز چاپ سنگی و رونق چاپ آثار فارسی
- IV. انحطاط چاپ فارسی
- V. سیری کوتاه در فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی

◀ I. جهان اسلام: از دوران دست‌نویس‌ها تا عصر چاپ

از انقلابی که صنعت چاپ در ترویج دانش به پا کرد جهان غرب مسیحی در قرون میانه برای تنظیم نوین زندگانی معنوی و روحانی خود آن را به خدمت گرفت و سودهایی برد^۱، اما جهان اسلام تا آغاز ق ۱۹م / [۱۳هـ] هنوز از آن

۱. انقلاب پروتستان در جهان مسیحی، پس از رواج چاپ از موفقیت برخوردار شد و

بی‌بهره بود. یعنی حتی پس از گذشت چهار قرن از استفاده جهان مسیحی از صنعت چاپ، این صنعت در کشورهای اسلامی قدم نگذاشته بود. در سرزمین‌های مسلمان‌نشین همچون عثمانی و مصر و ایران - که خطر توسعه استعمار غرب در آن جا می‌رفت - اگر چه چاپخانه‌هایی در آغاز ق ۱۹م / [۱۳-۱۴هـ] تأسیس شده بود، اما تا نیمه دوم ق ۱۹م / [۱۳-۱۴هـ] صنعت چاپ در آن کشورها گسترش نیافت.

این تصور که مسلمانان با صنعت چاپ آشنایی پیدا نکرده بودند واقعیت ندارد^۱، در واقع یهودی‌هایی که تا ۱۴۰۱م / [۸۰۴هـ] از اسپانیا به عثمانی مهاجرت کردند، چاپخانه‌هایی در آن جا تأسیس کردند و چند کتاب مذهبی و علمی خود را به چاپ رسانیدند. در سایر کشورهای اسلامی نیز یهودیان و مسیحیان استفاده از چاپخانه را آغاز کردند. این دلیل اصلاتی ندارد که در چاپ متحرک تایپی، در رسم الخط‌های اصیل زبان‌های جهان اسلام، هر حرف به چهار پاره تقسیم می‌شد [مثلاً: ک / ا - ۱] و این عمل بر مسلمان‌ها دشوار آمد!

→

لوترانیسم (Lutheranism) انصافاً زاده چاپ است. نک:

Elizabeth L. Eisenstein, *The Printing Press as an Agent of Change: Communication and Cultural Transformation in Early Modern Europe*, Cambridge, 1979, vol. I, II; Tessa Watt, *Cheap Print and Popular Piety 1550-1640*, Cambridge, 1991.

۱. ممکن است مسلمانان از اختراع چاپ متحرک تایپی در چین در سال‌های ۴۹-۱۰۴۱م / [۴۳۲-۴۴۱هـ] همان‌گونه بی‌خبر باشند که در اروپا پدر چاپ یوهان گوتنبرگ (Johann Gutenberg) (۱۴۶۸-۱۳۹۹م) از آن بی‌اطلاع بود. نک: G. A. Glaister, *Encyclopedia of the Book*, لندن، ۱۹۹۶م، ص ۳۹۳.

در ق ۱۵م / [۹ه] قرآن مجید به رسم الخط عربی چاپ شده بود^۱ و مسیحیان سوریه در ق ۱۶م / [۱۰ه] استفاده از چاپخانه را برای چاپ کتب عربی آغاز کرده بودند^۲.

علّت اصلی تمایل نداشتن مسلمانان به چاپ این بوده که آنان هرچه بیشتر به سنت‌های افتخارآفرین و منحصر به فرد خود همچون حفظ / ازبرداشتن، انتقال علوم از سینه به سینه، خوش‌نویسی و کتابت اتکا می‌کردند و لغزش‌های قلمی‌ای را که در آثار مکتوب، در عمل آماده ساختن آن‌ها برای چاپ راه می‌یافت، روانمی‌دانستند. آنان فقط به نوشته‌های به خط مؤلف اعتماد داشتند و به آن استناد می‌کردند. وانگهی بدنمایی‌ای که در عمل چاپ آثار مکتوب بروز می‌کرد، اصلاً با ذوق زیباشناسی مسلمانان سازگار نبود. مسلمانان نخواستند احتیاط و وسواسی را که در راه ترویج قرآن مجید با حفظ صحت خط و تزیینات به خرج می‌دادند، و اینک به یک سنت تبدیل شده بود، از دست بدهند و به جای آن صنعت چاپ را اختیار کنند. زیرا در نسخه‌ای از قرآن مجید که در

1. Thomas F. Carter, "Islam as a Barrier to Printing", *The Moslem World*, Hartford (U. S. A), No. 33 (1943), p. 213-16;

و برای اطلاعات بیشتر نک:

G. Roper, "The Export of the Arabic Books From Europe to the Middle East in the 18th century", *Proceedings of the 1989 International Conference on Europe and Middle East*, Oxford, 1989, p. 233-266.

2. J. Pederson, *The Arabic Book*, translated by G. French, edited by R. Hillenbrand, Princeton, 1984, p. 131-141;

و برای اطلاعات بیشتر نک:

Wahid Gdoura, *Le debut de l'imprimerie Arabe à Istanbul et en Syrie: Evolution de l'environnement culturel, 1707-1787*, Tunis, 1985.

۱۵۳۷م / [۹۴۴هـ] در ونیز ایتالیا به طبع رسیده بود، بین حروف دال و ذال تمیز رعایت نشده بود^۱. اما هنوز آغاز تجربیات بود و اوضاع به تدریج رو به بهبود می‌رفت. با این همه، ذهن مسلمانان تا مدتی پدیده چاپ را نپذیرفت و نپسندید. ممکن است علت عدم تمایل مسلمانان در استفاده از صنعت چاپ، این اعتقاد باشد که این صنعت اختراع «کفار» است و استفاده از آن برابر است با شرکت در کفر یا همکاری با آن^۲. در آن مراحل ابتدایی فقط مسلمانان نبودند که این چنین برخورد محافظه کارانه‌ای با صنعت چاپ داشتند، بلکه مسیحیان سنت گرا و کاتولیک‌ها نیز تا مدتی پس از ابداع چاپ، در راه ترویج آن مزاحم بودند^۳.

چاپ کتاب‌های دینی در بسیاری از کشورهای اسلامی عملی ناروا تلقی می‌شد، اما در عثمانی و روسیه تزاری و هندوستان نظرهای متفاوتی وجود داشت، زیرا در کشورهای مذکور در اوائل ق ۱۹م / [۱۳هـ] چاپ کتاب‌های

1. Muhsin Mahdi, "From the Manuscripts Age to the Age of Printed Books", *The Book in the Islamic World: The Written Word and Communication in the Middle East*, edited by George N. Atiyeh, Albany, (U. S. A.), 1995, p. 283.

۲. این همان دیدگاهی است که جهان اسلام را تا مدتی کلاً یا جزواً از بهره‌برداری از اختراعات مفید اروپا همچون سلاح‌های جنگی، ساعت و برق دور نگاه داشت و در برابر استفاده از صنعت چاپ نیز جهان اسلام حالت گومگو را داشت. برای بررسی جامع در این باره نک:

Francis Robinson, "Islam and the Impact of Print in South Asia", *The Transformation of Knowledge in South Asia*, ed. Nigel Crook, Oxford, 1996, p. 62-97; Ami Ayalon, *The Press in the Arab Middle East, A History*, Oxford, 1995, p. 166-167 و بعد.

۳. Ami Ayalon, همان‌جا، ص ۱۶۷.

دینی شروع شده بود. وهابی‌ها از نخستین مسلمانانی بودند که برای سفر حج از کشتی‌های بخار و برای جهاد از سلاح آتشین شروع به استفاده کردند و اکنون برای نشر عقاید خود تمایلی به اختیار نمودن پدیده نوین چاپ از خود نشان دادند.^۱ مدتی نگذشت که روشنفکران اسلام و حکومت‌های اسلامی تحت تأثیر تفکر آنان، نگرشی مثبت به صنعت چاپ پیدا کردند. آنان متوجه شدند که صنعت چاپ در اروپا نتایج سودمندی به بار آورده و استفاده جهان اسلام از این پدیده نه تنها برای پیشرفت علوم و بازسازی جامعه بلکه برای گسترش علوم اسلامی نیز اجتناب‌ناپذیر است.^۲ از سوی دیگر حکمرانان اسلامی هم به این اندیشه رسیدند که اجرا و پیروزی سیاست‌های خود را می‌توانند از راه اختیار نمودن وسیله چاپ تضمین کنند. اولین بار در ترکیه سلطان مراد سوم (حک: ۹۵-۱۵۷۴ م / ۱۰۰۳-۹۸۲ ه) در اکتبر ۱۵۸۸ م / [۹۹۶ ه] به تجار فرنگی اجازه ورود کتب چاپی به خط عربی، به عثمانی داد.^۳ سلطان احمد سوم (حک: ۱۷۳۰-۱۷۰۳ م / ۱۱۴۳-۱۱۱۵ ه) در ۱۷۲۷ م / [۴۰-۱۱۳۹ ه] اجازه تأسیس چاپخانه را در قلمرو عثمانی داد. البته این اجازه منحصر به چاپ کتب غیر دینی بود.^۴ ابراهیم متفرقه (۱۷۴۵-۱۶۷۰ م / ۱۱۵۸-۱۰۸۱ ه) از این اجازه استفاده

1. Marc Garborieau, "Late Persian, Early Urdu: The Case of Wahabi Literature (1818-1857)", *Confluence of Culture: French Contributions to Indo-Persian Studies*, ed. F. N. Delvoye, New Delhi, 1995, p. 175.

۲. در این مورد می‌توان به مقاله بنیادگذار نخستین چاپخانه در عثمانی ابراهیم متفرقه با عنوان «وسيلة الطبع» که پُر است از دلایل و شواهد در مفید بودن چاپ مراجعه کرد. برای ترجمه انگلیسی این مقاله نک: George N. Atiyeh, ص ۲۹۲-۲۸۶.

۳. متن فرمان در همان جا، ص ۲۸۳.

۴. متن فرمان در همان جا، ص ۲۸۵-۲۸۳.

کرد. او کسی بود که از مجارستان به استانبول نقل مکان کرد و به دین اسلام مشرف شد و در ۱۷۲۷م / [۴۰-۱۱۳۹هـ] نخستین چاپخانه جهان اسلام را تأسیس کرد. با وجود این که فعالیت چاپخانه او منحصر به طبع کتاب های تاریخی و علوم بود، روحانیون و عامه مسلمانان به مخالفت با او پرداختند به گونه ای که پس از ۱۷۴۲م / [۱۱۵۵هـ] چاپخانه او تعطیل شد.^۱

آغاز چاپ در قلمرو عثمانی - گرچه برای مدتی محدود و کوتاه بود - برای سایر کشورهای اسلامی موجب تشویق و دلگرمی شد. لبنان علاوه بر وارد کردن کتب چاپی عربی از اروپا، در ۱۷۳۴م / [۴۷-۱۱۴۶هـ] چاپ کتب عربی را نیز آغاز کرد.^۲ اما کتاب های چاپ لبنان منحصر به مسیحیت و تبلیغ مسیحیت بود و تیراژ (شمارگان) آن ها محدود بود.^۳ اکنون جهان عرب کم کم تأثیر افکار غربی را پذیرفته بود. ترکیه و مصر هرچه بیشتر تحت نفوذ افکار غربی قرار گرفته بودند. سنت تأسیس دارالترجمه به دست خلفای عباسی [در بغداد]، یک بار دیگر در مصر تجدید شد. در روزگار محمد علی پاشا (۱۸۴۸-۱۸۰۵م / [۱۲۶۴-۱۲۲۰هـ]) گام های مؤثر برای اختیار نمودن صنعت چاپ برداشته شد. دارالترجمه مصر که زیر نظر حکومت وقت اداره می شد، به ترجمه آثار اروپایی پرداخت و ۲۴۳ عنوان کتاب در میان سال های ۱۸۲۲-۴۲م / [۵۸-۱۲۳۷هـ] در قاهره به طبع رسید.^۴ قاهره أم القرای کشورهای عربی بود، اما نیمی از

1. Bernard Lewis, *Muslim Discovery of Europe*, London, 1982, p. 168.

2. Geoffrey Roper, "Faris Al-Shidyaq and the Transition from Scribe to Print Culture in the Middle East", in George N. Atiyeh, p. 210.

۳. Bernard Lewis, ص ۱۶۸.

۴. همان مأخذ، ص ۳۰۶.

کتاب‌های چاپ شده به زبان ترکی بود! در ۱۸۱۹م / [۱۲۳۴هـ] اولین چاپخانه دولتی مصر آغاز به کار کرد.^۱

علاقه‌مندی شاهان ایرانی باعث شد که در آن کشور نیز چاپ معمول شود. کمی پیش‌تر از آغاز چاپ در مصر، در ۱۸۱۶م / [۱۲۳۱هـ] عباس میرزا نایب السلطنه (۱۸۳۳-۱۷۸۸م / [۱۲۴۹-۱۲۰۲هـ]) چاپخانه‌ای در تبریز تأسیس کرد.^۲ هم‌زمان، عبدالوهاب معتمدالدوله (د: ۱۸۲۷م / [۴۳-۱۲۴۲هـ]) مطبعه‌ای در تهران بنیاد گذارد.^۳ این دو چاپخانه علاقه فرمانروایان ایرانی به صنعت چاپ را نشان می‌داد. اظهار این علاقه‌مندی زمانی بیشتر مشاهده شد که عباس میرزا، میرزا جعفر شیرازی را به مسکو اعزام کرد [تا آموزش‌های فن چاپ را ببیند] و به گفته اسد آقا تبریزی- (که بنابر روایتی برادرش و پدرش پیش از آن در تبریز مطبعه‌ای داشتند)- میرزا صالح شیرازی (د: ۱۸۳۹م / [۱۲۵۵هـ]) وزیر تهران میرزا اسدالله از اهالی فارس را به سن پترزبورگ اعزام کرد تا وی در آن‌جا آموزش چاپ سنگی را ببیند.^۴ پس از مراجعت میرزا اسدالله، اولین چاپخانه سنگی در تبریز دایر گردید که پنج سال بعد به تهران انتقال یافت. در ۱۸۲۷م / [۴۳-۱۲۴۲هـ] زین‌العابدین تبریزی هم چاپخانه‌ای در تبریز اداره می‌کرد.^۵ مدتی نگذشت که در دیگر نقاط ایران نیز چاپخانه‌هایی دایر

۱. Ami Ayalon، ص ۱۴-۱۳.

2. E. G. Brown, *A Literary History of Persia*, Cambridge, 1953, vol. 4, p. 155; *The Press and Poetry in Modern Persia*, Second Edition, Los Angeles, 1983, p. 7.

۳. همان‌جا.

۴. همان مأخذ، ص ۸-۷.

۵. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، ۱۳۵۷هـ، ج ۲، ص ۱۷۷.

شدند.^۱ فقط در تبریز - که در آن زمان بزرگ‌ترین شهر ایران بود - در ۱۸۴۶م / [۱۲۶۲هـ] حداقل شانزده دستگاه چاپخانه کار می‌کرد.^۲

◀ II. رواج چاپ در شبه قاره و آغاز چاپ آثار فارسی

وضع در شبه قاره^۳، در مقایسه با عثمانی و مصر و ایران، متفاوت بود. اگر چه برخورد مسلمانان شبه قاره [با پدیده‌های جدید غرب] چندان تفاوتی با برخورد سایر ملت‌های جهان اسلام نداشت، بازهم آنان مفید بودن اختراعات غرب را انکار نمی‌کردند. چنان‌که وقتی مبلغان ژزوئیت (Jesuits) به جهانگیر پادشاه (حک: ۲۷-۱۶۰۵م / [۳۷-۱۰۱۴هـ]) نسخه‌ای از انجیل چاپ ایتالیا عرضه داشتند، او با آنان درباره امکانات ریختگی حروف نستعلیق صحبت کرد.^۴ بر عکس آن، وقتی در ۱۶۵۱م / [۱۰۶۰هـ] کتابی چاپی به زبان عربی به

1. E. G. Brown, *The Press and Poetry in Modern Persia*, p. 8.

2. Abbas Amanat, *Pivot of the Universe: Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy, 1831-1896*, London, 1997, p. 75.

۳. یادداشت مترجم: در اصل نویسنده محترم مقاله اصطلاح «آسیای جنوبی» را به کار برده است با این توضیح: «از نظر مفهوم جغرافیایی "آسیای جنوبی" فقط شامل هندوستان نیست، بلکه کشورهای پاکستان، بنگلادش، نیپال، بوتان، بکرم، سری لانکا و جزائر مالدیو حتی برمه [میانمار امروزی] و افغانستان نیز شامل این محدوده می‌شوند. در دوران اسلامی و بریتانیایی، این اصطلاح به مفهوم محدودتری و به "شبه قاره" یا "قاره عظیم" تبدیل شده است. چون گفتار ما مربوط به دوران بریتانیایی است، منظور ما در این جا از "آسیای جنوبی" شبه قاره هند است که تا پاکستان و بنگلادش گسترش دارد». در حین ترجمه با کسب اجازه از نویسنده این اصطلاح به «شبه قاره» تبدیل شده است، مگر این که در مفهوم واقعی آسیای جنوبی به کار رفته باشد.

4. E. Maclagan, *The Jesuits and the Great Mogul*, London, 1932, p. 211-215.

سعدالله خان (د: ۱۶۵۶م / [۱۰۶۶ه]) وزیر اعظم شاهجهان (۵۷-۱۶۲۸م / [۶۸-۱۰۳۷ه]) اهدا گردید، او از پذیرفتن آن خودداری کرد^۱ که ناشی از برخورد منفی نسبت به صنعت چاپ بود. با وجود آغاز صنعت چاپ در شبه قاره، تا دو سه دهه، در میان علاقه‌مندان خطوط نستعلیق و نسخ، تمایل به اختیار نمودن چاپ ریشه نگرفت و تا اوایل ق ۱۹م / [۱۳ه] - صرف نظر از یکی دو مورد استثنا - محور هرگونه فعالیت چاپ در شبه قاره افراد غیر بومی و میسیونری‌ها و کارپردازان شرکت هند شرقی [East India Company] بودند. بعدها در نتیجه تلاش‌های افراد بومی چاپ کتاب به سه زبان عمده فرهنگ اسلامی - عربی، فارسی، اردو - در دهه سوم ق ۱۸م / [۵۲-۱۱۴۲ه] عمومیت پیدا کرد. اگرچه در این منطقه کار چاپ از ۱۵۵۶م / [۹۶۳ه] آغاز شده بود^۲.

۱. همان مأخذ، ص ۲۰۹-۲۰۸.

۲. دستگاه نخستین چاپخانه شبه قاره را مبلغان ژزوئیت (Jesuits) پرتغالی در ۱۵۵۶م / [۹۶۳ه] در گوا، شهر ساحلی جنوب هند، در دانشکده سنت پال (St. Paul College) که متعلق به خودشان بود، نصب کردند. در آن جا از اکتبر ۱۵۵۶ تا ۱۵۸۱م / [۹۸۹-۹۶۳ه] ده عنوان کتاب به طبع رسید که از آن میان دو عنوان به زبان‌های بومی یعنی تامیل و کونکنی بود. نک:

Graham Shaw, *The South Asia and Burma Retrospective Bibliography (SABREB)*, Stage 1: (1556-1800), London, 1987, p. 5.

در این کتاب شناسی کتاب‌هایی که در چاپخانه‌های محلی به طبع رسیده‌اند، به ترتیب سال چاپ ثبت شده‌اند. مؤلف در مقدمه آن اطلاعاتی جامع درباره چاپخانه‌های منطقه ارائه داده است. برای تاریخچه چاپخانه در شبه قاره کتاب‌های زیر نیز مفید است:

Graham Shaw, *Printing in Calcutta to 1800*, London, 1981, B. S. Kasavan, *History of Printing and Publishing in India*, 2 vols, Delhi, 1985-1988; A. K.

اما تا آن موقع نمونه‌های [گسترده] چاپ از کتاب‌ها به زبان‌های سه‌گانه مذکور منحصر به کتاب‌های چاپ اروپا بود.^۱

در چاپخانه‌های محلی شبه قاره نمونه‌های چاپ به زبان‌های بومی فقط به چند عبارت یا کلمه محدود می‌شد که گاهی در کتاب‌های به زبان‌های غیر بومی وارد می‌شد.^۲ در مناطق تحت حکومت بریتانیا، آغاز و رواج چاپ کند بود.

→

Priolker, *The Printing Press in India*, Bombay, 1958; Katherine Diehl, *Early India Imprints*, New York, 1964.

۱. برای اطلاعات بیشتر نک:

Rijk Smilskamp, *Philologia Orientalio: A Discription of Book Illustration, the Study of Printing of Oriental Languages in the 18th and 19th cenutry Europe*, Leiden 1992; P. Deschamps, *L'Imprimerie Hors L'Europe*, Paris, second edition, 1964; A. M. Piemontese, *Bibliografia Italiana Della Iran 1462-1982*, Naples, 1982; Nazir Ahmad, *Oriental Presses in the World*, Lohore, 1985;

سلیم‌الدین قریشی، *اتهاروین صدی کی اردو مطبوعات*، اسلام‌آباد، ۱۹۹۳م.

۲. به‌طور مثال روی جلد کتابی تامیلی با عنوان: *Dialogvs Inter Moslimvm Et Christianvm...*

تألیف C. T. Walther، که در ۲۷ دسامبر ۱۷۲۷م / [۱۱۴۰هـ] در ترانکو بار چاپ شده، ترجمه عربی آیه‌ای از انجیل: «الاله واحد و سیط الله والناس واحد الانسان يسوع المسيح ۵» با استفاده از کلیشه چوبی چاپ شده است. نک: Graham Shaw, *SABREB*، ص ۶۱. کتاب مذکور تامیلی زبان در سال‌های ۱۷۴۰م و ۱۷۵۳م نیز تجدید چاپ شده است. نیز: نک: سلیم‌الدین قریشی، همان مأخذ، ص ۱۲. در یکی از چاپخانه‌های بمبئی - که یکی از پارسیان به نام رستم جی کیشا پاتهی در ۱۷۷۷م / [۱۱۹۱هـ] بنیاد گذارده بود، روزنامه انگلیسی زبان *Bombay Courier* چاپ می‌شد. در این روزنامه آگهی‌ها، علاوه بر زبان‌های محلی، به زبان اردو نیز منتشر می‌شد، نک: J. Natrajan, *History of Indian Journalism*، دهلی نو، چاپ دوم، ۱۹۹۷م، ص ۶۹.

انگلیسی‌ها در ۱۷۶۱م / [۷۵-۱۷۴هـ] فرانسوی‌ها را در پاندی چری شکست دادند و نخستین دستگاه چاپ را به غنیمت گرفتند. بعدها همان دستگاه در مدراس هند نصب شد و برای طبع احکام رسمی شرکت هند شرقی و تقویم‌ها مورد استفاده قرار گرفت.^۱ اما ادامه چاپ فارسی یا طبع کتاب‌های مستقل و کامل فارسی زمانی ممکن شد که چاپخانه‌هایی در کلکته دایر گردید و هر چاپخانه بنا بر مقتضیات و مصالح خود امکانات فنی چاپ کتاب‌های فارسی (و اردو) را فراهم آورد.^۲

هنوز صنعت چاپ در آسیای جنوبی / شبه قاره از حمایت دولتی برخوردار نبود. در تاریخ ۲۰۰ ساله چاپخانه تمام فعالیت‌های چاپ از آن چاپخانه‌هایی بوده که برای تکمیل اهداف مبلغان مسیحی دایر بودند. شمار محدودی چاپخانه در اوقات مختلف جنبه تجاری نیز داشتند. چاپخانه‌هایی که میسیونری‌ها دایر کرده بودند در نقاط مسیحی‌نشین فعالیت داشتند و موضوعات مطبوعات آن‌ها مربوط به اهدافشان بود. فقط گاهی کتاب‌های غیر دینی و غیر تبلیغاتی در موضوع‌های پزشکی و جغرافیا و تاریخ به طبع می‌رسید که اکثراً به زبان کشور

۱. درباره آغاز چاپخانه‌هایی در کلکته و تاریخچه فعالیت‌های آن‌ها علاوه بر منابعی که در پانویس ۴ صفحه پیش ذکر شد، به این منابع نیز رجوع شود:

S. Sen, "Early Printers and Publishers in Calcutta", *Bengal Past and Present*, No. 87, 1968, p. 59-66; S. B. Chowdhry, "Early English Printers and Publisher", *Ibid*, p. 67-77, P. T. Nair, *A History of the Calcutta Press*, Calcutta, 1987.

2. Susan S. Wadley, "Introduction", *Media and the Transformation of Religion in South Asia*, edited by Susan S. Wadley and Lawrence A. Bob, Philadelphia, 1995, p. 21.

متبوع صاحب چاپخانه بود. اگر چه چاپخانه‌های مذکور چاپ کتاب‌هایی به زبان‌های بومی و تقویم‌ها را نیز شروع کردند، اما چاپ تایی نسخ یا نستعلیق موقعی تسلسل پیدا کرد که در کلکته چاپخانه‌هایی دایر گردید. اینک این شهر تحت حکومت ابر قدرت متجدد غرب یعنی بریتانیای کبیر درآمده بود و در نیمه دوم ق ۱۸م / [۱۲هـ] در آسیای جنوبی / شبه قاره تبدیل به مرکزی شد که عده‌ای چشمگیر از نوگرایان و آشنا با افکار و ابداعات جدید اروپا در آن جا گرد هم آمده بودند. با تلاش برخی از آنان امکانات فنی چاپ متحرک حروفی به رسم الخط زبان‌های بومی فراهم شد. دولت بریتانیا در تأسیس چاپخانه‌ها در کلکته و فعالیت آن‌ها حمایتی از خود نشان نداده بود و مبلغان مسیحی نیز که تجربیات طولانی در چاپ در این سرزمین را داشتند، در مراحل ابتدایی چاپ در کلکته عملاً از آن شهر دور بودند و پس از دو دهه آغاز فعالیت چاپ در کلکته، میسیونری‌ها بدان جا رفتند یا اجازه فعالیت را در آن حوزه یافتند.^۱ تا آن موقع تأسیس چاپخانه‌ها و اهتمام چاپ [کتب عمومی] و طبع کتب زبان‌های بومی تماماً منحصر به تلاش افراد بود [نه دولت].

در همان ایام بریتانیا، نواب سراج الدوله (۵۷-۱۷۳۳م / [۷۰-۱۱۴۶هـ]) فرمانروای مستقل و خودگردان بنگال را در نبرد پلاسی (۱۷۵۷م / [۱۱۷۰هـ]) شکست داد و بنگال را تحت تصرف خود درآورد. این پیروزی مقدمه قدرت و حکومت تمام عیار بریتانیا در سراسر آسیای جنوبی شد. اکنون بریتانیا سرزمینی وسیع پیش رو داشت و برای برقراری و پایداری اقتدار خود

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: B. S. Kasavan, ج ۱، ص ۱۹۱-۱۸۹، Nazir Ahmad.

می‌دانست که از چه نوع وسایل و اختراعات جدید اروپایی استفاده کند. در آن موقع بعد از سلاح و ابزارهای جنگی، در واقع فقط وسیله چاپ بود که اهداف او را پیش بُرد. این در حالی بود که در ابتدا شرکت هند شرقی و طراحان سیاست آن قصد آن را نداشتند تا شهروندان غلام خود را از فواید و مزایای چاپخانه بهره‌ور سازند و یا به دست افراد هم‌نژاد خود ابزاری را بدهند که وسیله ابلاغ نقد و ایراد بر آنان بشود. حقیقت این است که دولت بریتانیا در خود بریتانیا هم به چاپخانه‌ها نظر خوشی نداشت و سعی می‌کرد فعالیت مطبعی را محدود سازد^۱. چنان‌چه در آسیای جنوبی تا مدتی پس از تأسیس چاپخانه‌های خصوصی، دولت بریتانیا هیچ چاپخانه دولتی را برای تکمیل نیازهای خود دایر نکرد و به عمال خود نیز اجازه نداد که در حین اشتغال در شرکت، چاپخانه‌ای را تأسیس کنند یا با چاپخانه و نشریه‌ای ارتباط برقرار کنند^۲. به همین خاطر دولت بریتانیا تمام نیازهای اداری خود مربوط به چاپ را از طریق چاپخانه‌های خصوصی تأمین می‌کرد^۳. پس از افتادن بنگال به دست انگلیسی‌ها، مدیریت شرکت هند شرقی به وارن هستنگس (Warren Hastings) محول گردید که شخصی کاردان و لایق بود. او در دوران مدیریت خود در بنگال (۸۵-۱۷۷۲م / ۹۹-۱۱۸۶هـ)

1. Percival Griffiths, *The British Impact on India*, London, 1952, p. 265.

۲. این برخورد را می‌توان در گزارش لُرد ویلیام بنتینک (William Bentinck) (۱۸۳۹-۱۷۷۴م) مورخ ۶ ژانویه ۱۸۲۹م مشاهده کرد که در *Correspondence of Lord William Bentinck*، ج ۱، آکسفورد، ۱۹۷۷م، ص ۱۴۰-۱۳۵ چاپ شده است.

۳. دولت بریتانیای هند از چاپخانه‌هایی در مدراس، بمبئی و کلکته استفاده می‌کرد که نام آن‌ها در *SABREB*، تألیف Graham Shaw آمده است. مثلاً برای چاپخانه‌های مدراس، ص ۹؛ برای بمبئی، ص ۱۰، برای کلکته، ص ۱۱-۱۰.

نه تنها از فعاليت‌های فرهنگي و ادبي خاورشناسان کوشاي بنگال حمايت کرد، بلکه در ۱۷۸۱م / [۱۱۹۵هـ] برای تأسيس مدرسه عاليه کلکته نيز همکاري کرد و بدین‌گونه در ۱۷۸۴م / [۱۱۹۸هـ] زمينه تأسيس انجمن آسيايي بنگال را فراهم آورد.^۱ سياست‌های تشويق آميز او باعث شد که نه تنها پژوهش‌هایی در علوم شرقي انجام شود، بلکه اين پژوهش‌ها به حليه طبع نيز آراسته گردد. در دوران مديريت او نامدارترين خاورشناس وقت ويليام جونز (William Jones) (۱۷۴۶-۹۴م) در ۱۷۸۳م / [۱۱۹۷هـ] به کلکته رفت و در نتيجه تلاش‌های او انجمن آسيايي بنگال تأسيس گرديد که بعدها به یک مجمع بزرگ مستشرقان و مرکز فعاليت‌های ادبي و تحقيقي تبديل شد. ويليام جونز و همکاران او به مطالعات فارسي، ترجمه متون، دستور زبان و فرهنگ‌نويسي عنايت ويژه‌ای

۱. برای همکاري هستنگس در تأسيس مدرسه عاليه، کلکته رجوع شود به: *Memoirs of Warren Hastings*, ed. by George R. Gleig, ج ۳، لندن، ۱۸۴۱م، ص ۱۵۹، و نيز گزارش هستنگس مؤرخ ۱۷ آوريل ۱۷۸۱م در *Records, Part I, 1781-1839*، تأليف H. Sharp، کلکته، ۱۹۲۰م، ص ۸. شرح تشويق و ترغيب‌های او به پژوهش‌های علوم شرقي و ترجمه‌ها در منابع متعدد مربوطه ذکر شده است. برای بررسي جامع اين موضوع رجوع شود به:

O. P. Kejariwal, *The Asiatic Society of Bengal and the India's Past, 1784-1838*, Oxford and Dehli, 1988, p. 20-24.

تشويق و ترغيب او زمينه‌ای را برای تأسيس انجمن آسيايي بنگال هموار ساخت. برای زمينه تأسيس و فعاليت‌های انجمن نک: همان مأخذ و نيز:

David Kopf, *British Orientalism and the Bengal Renaissance: The Dynamics of Indian Modernization 1773-1835*, Berkeley, 1969; S. N. Mukherjee, *Sir William Jones: A Study in Eighteenth Century British Attitudes to India*, Cambridge, 1968.

داشتند.^۱

برای تمام ملت‌های اروپایی - که به هر منظوری به شبه قاره رفتند - آموزش زبان فارسی اجتناب‌ناپذیر بود. آنان پی برده بودند که فارسی در آن سرزمین وسیع چه نقش مهمی دارد. زبان فارسی وسیله‌ای مؤثر و موفقیت‌آمیز برای برقراری ارتباط و ابلاغ به عمّال و مقامات دولتی به شمار می‌رفت. کافی نبود که نوواردان زبان فارسی را فقط برای اظهار ما فی الضمیر یاد بگیرند، بلکه لازم بود تا حدی مهارت به دست آورند که بتوانند مکاتبات دولتی و سفارتی را به این زبان انجام دهند و مسایل و مقررات حقوقی سطح بالاتری را درک کنند. تأمین چنین نیازی برای برخی عمّال انگلیسی که به کار تألیف و نگارش علاقه داشتند، موجب شد که آنان علاوه بر تهیه کتاب‌های دستور و فرهنگ‌ها، ترجمه‌های متون ادبی و تاریخی فارسی را نیز انجام دهند.^۲ پس از پیروزی جنگ پلاسی، انگلیسی‌ها به اقتضای مصالح سیاسی، نیاز هرچه بیشتر به فراگیری زبان فارسی پیدا کردند، زیرا آنان نمی‌خواستند در همه امور دولتی از

۱. برای فارسی‌دانی جونز و تتبعات او در زبان و ادب فارسی به این آثار گارلاند کانن (Garland Cannon)، نک:

Oriental Jones, Bombay, 1964; *Sir William Jones, An Annotated Bibliography of his Work*, Honolulu 1952; "Sir William Jones and Persian Linguistics", *Journal of the American Oriental Society*, 1958, p. 262-273.

۲. علاقه ویژه افسران انگلیسی در هند به فارسی در آثار متعدد بررسی شده است. جامع‌ترین آن‌ها به شرح زیر است: Bernard S. Cohn, *Colonialism and its form of knowledge*, پرینستون، ۱۹۹۶م، ص ۲۲-۱۷ و ما بعد؛ سید عبداللّه، «زبان فارسی و شرکت هند شرقی»، ترجمه انجم حمید، دانش، اسلام‌آباد، ش ۵۰ (۱۹۹۷م)، ص ۱۶۶-۱۶۱.

افراد بومی کمک بگیرند و به آنان اعتماد کنند. لذا خاورشناسان به تدوین کتب متعدد دستور زبان و فرهنگ پرداختند و نیازهای همه‌جانبه، زمینه‌ای برای تأسیس دانشکده فورت ویلیام (Fort William College) فراهم ساخت که بالاخره در ۱۸۰۰م / [۱۵-۱۲۱۴هـ] تأسیس شد.^۱ انگلیسی‌ها پیش از آن با تأسیس مدرسه عالی (کلکته) قدمی در راه شناخت مقررات شرعی و قوانین رایج وقت مسلمانان برداشته بودند و اینک کالج فورت ویلیام را بنا نهادند تا خود را به سلاح زبان‌های بومی مجهز کنند. هر دو آموزشگاه [مدرسه و کالج] برای آنان فواید گوناگون به‌بار آورد. آشنایی با مقررات رایج از نیازهای مبرم وقت بود. چارلز همیلتون (Charles Hámilton) کتاب *فقهی حنفی هدایه* (عربی) تألیف برهان‌الدین علی مرغینانی را از روی ترجمه فارسی غلام یحیی به انگلیسی ترجمه کرد. حمایت و تشویق انگلیسی‌ها از این‌گونه ترجمه‌ها، اقتضای آن زمان بود.^۲ وارن هستنگس قبل از عزیمت به هندوستان، در دانشگاه آکسفورد زمامدار جنبشی در طرفداری از زبان فارسی بود.^۳ اگر چه او قبل از تأسیس دانشکده فورت ویلیام، هند را ترک گفته بود، اما او سخت حامی ترجیح و اهمیت دادن به زبان‌های فارسی و عربی در برنامه درسی دانشکده

۱. آثار متعددی درباره تاریخچه تأسیس دانشکده فورت ویلیام و فعالیت‌های آن تألیف شده است. جامع‌ترین و تازه‌ترین آن‌ها به این شرح زیر است:

Sisir Kumar Das, *Sahibs and Munshis: An Account of the College of Fort William*, Delhi, 1978; David Kopf, همان مأخذ.

2. Charles Rieu, *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*, London, 1966, vol. 1, p. 23-24.

3. Peter Marshall, "Hastings as Scholar and Patron", *Statements, Scholars and Merchants*, ed. Anne Whiteman, Oxford, 1923, p. 243.

بود.^۱ اهمیت و حیثیت زبان فارسی نه تنها کسانی را که به زبان‌شناسی علاقه‌مند بودند وادار به تألیف کتاب‌های دستور و فرهنگ‌نامه‌ها کرد، بلکه، با توجه به احتیاج‌های روزافزون، به کار گرفتن وسایل چاپ را نیز ترغیب داد. صرف نظر از نمونه‌های ابتدایی چاپ فارسی در شبه قاره - که پیش‌تر مذکور شد - اولین تلاش روشمندان را خاورشناس کاردان چارلز ویلکینس (Charles Wilkins) (۱۸۳۶-۱۷۵۰م) کرد. او موفق شد که حروف نستعلیق را به کلیشه تبدیل کند. او از بنیادگذاران چاپ بنگالی نیز هست. وی نه تنها در امور چاپ تخصص داشت بلکه مدیر چاپخانه، خطاط، نقاش، کنده‌کار و حروف‌تراش نیز بود. او در اواخر ۱۷۷۸م / [۱۱۹۲هـ] ریختگی حروف نستعلیق را با موفقیت انجام داد^۲ و در همان سال کتاب *A Grammar of the Bengali Language* تألیف دوست مستشرق خود Nathaniel Brassy Halhed (۱۸۳۰-۱۷۵۱م) را در چاپخانه خود به طبع رسانید که نمونه ابتدایی حروف نستعلیق ریخته او نیز هست.^۳ نمونه پیشرفته‌تر حروف نستعلیق او در چاپ فرهنگ انگلیسی - فارسی تألیف فرانسیس گلاوین (Francis Gladwin) (۱۸۱۳-۱۷۴۰م؟) دیده می‌شود که در

1. W. H. Hutton, "A Letter of Warrgn Hastings on the Civil Service of East India Company", *English Historical Review*, London, 1929, p. 635.

۲. از نامه هالهد (Halhed) به هستنگس، مورخ ۱۳ نوامبر ۱۷۷۸م، به دست می‌آید که در چاپخانه برای چاپ بنگالی و انگلیسی تمام وسایل فراهم شده است و امکاناتی برای چاپ فارسی نیز در مرحله تکمیل است. نک: *Home Miscellaneous Series*، ش ۲۰۷، و برای اعترافات هستنگس به خدمات چارلز ویلکینس، نک: همان‌جا، ص ۲۰۲-۱۹۵؛ و نیز: *Catalogue of the Home Miscellaneous Series of the India Office Records*، لندن، ۱۹۲۷م، ص ۱۳۹.

3. Graham Shaw, *SABREB*, p. 140; P. Deschamps, P. 75.

۱۷۸۰م / [۱۱۹۴ه] به اهتمام او در مالدا به چاپ رسید.^۱

اولین کتاب کامل چاپی فارسی [در شبه قاره] انشای هرکرن تألیف هرکرن ملتانی^۲ است که به اهتمام چارلز ویلکینس در ۱۷۸۱م / [۱۱۹۵ه] در کلکته به طبع رسید.^۳ پیش از آن کتابچه‌های فارسی یا عباراتی به حروف نستعلیق که در کلکته و اطراف آن چاپ می‌شد، از نوعی دیگر بودند. این‌ها معمولاً حکم‌نامه‌هایی بوده که شرکت هند شرقی برای مناطق تحت تسلط خود به زبان انگلیسی چاپ می‌کرد و ترجمه فارسی نیز همراه یا مستقلاً طبع می‌شد.^۴ این

۱. نام این فرهنگ *A Compendious Vocabulary English and Persian* است. نک:

Graham Shaw, *SABREB*; ص ۱۴۶، بر روی جلد این فرهنگ اشعار فارسی چاپ

شده است. برای عکس روی جلد نک: Nair، ص ۱۸.

۲. هرکرن ملتانی فرزند متهراداس کنبو ملتانی. در عصر جهانگیر (۳۷-۱۰۱۴ه / ۲۷-

۱۶۰۵م) منشی اعتبار خان بود. جهانگیر در ۱۰۳۲ه / ۱۶۲۲م اعتبار خان را صوبه دار

اکبرآباد منصوب کرد. نک: ترک جهانگیری، به اهتمام سید احمد خان، غازی پور، ۱۸۶۴م،

ص ۱۰۶، ۱۱۵ و صفحات دیگر. پس از درگذشت اعتبار خان، هرکرن از اکبرآباد به سوی

ملتان رفت و ظاهراً در راه در میان سال‌های ۴۰-۱۰۳۴ه / ۳۱-۱۶۲۵م انشای هرکرن را

تألیف کرد، نک: مقاله بزمی انصاری در *Encyclopaedia of Islam*، ویرایش دوم، چاپ

لیدن، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۲۶-۲۲۵؛ سید عبداللّه، ادبیات فارسی مین هندوون کا حصّه،

دهلی، ۱۹۴۲م، ص ۷۲. انشای هرکرن در سال‌های بعد در ۱۸۳۱م و در ۱۸۶۹م در لاهور

چاپ سنگی نیز شده است.

Graham Shaw, *SABREB*، ص ۱۵۰ و *Printing in Calcutta to*،

1800، ص ۷۹، *India Gazette*، چاپ کلکته، در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۷۸۱م آگهی داده که

انشای هرکرن برای توزیع آماده است. [برای چاپ‌های انشای هرکرن، نک: عارف نوشاهی،

کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ش ۵۶۵۴].

۴. مثلاً حکم‌نامه مورّخ ۱۱ آوریل ۱۷۸۰م (نک: Graham Shaw, *SABREB*، ص ۱۴۳)؛

سنت به تدریج ریشه‌دار شد.^۱ علاوه بر حکم‌نامه‌ها، در کتب دستور و فرهنگ‌نامه‌ها نیز قرار دادن الفاظ یا عبارات فارسی به حروف نستعلیق عمومیت پیدا کرد. تا آن زمان معمولاً کتاب‌هایی از نوع تقویم‌ها، فهرست‌ها، فرمان‌های دولتی، حکم‌نامه‌ها، نقشه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌های زبان، ترجمه‌های ادبی، سفرنامه‌ها، سرگذشت‌نامه‌ها در موضوعات تاریخی، ریاضی، علم الادویه و جغرافیا و غیره چاپ می‌شد. چاپ انشای هرکرن نمونه خوبی از حروف نستعلیق ریخته و یلکینس بود. فرانسیس بالفور (Francis Balfour) مصحح و مترجم انگلیسی انشای هرکرن در دیباچه خود تلاش‌های ویلکینس را ستوده و گفته است حالا در هندوستان امکانات چاپ کتب فارسی مهیاست.^۲ موفقیت‌های ویلکینس به شرکت هند شرقی وانمود که او نیز برای تأمین نیازهای اداری خود چاپخانه‌ای دولتی دایر کند. این خود ویلکینس بود که به شرکت پیشنهاد تأسیس چاپخانه کرد و وارن هستینگس که خودش از تأسیس چاپخانه‌ای حمایت می‌کرد، اختیارات خود را به کار گرفت و نزد مقامات شرکت پیشنهاد ویلکینس را تأیید نمود.^۳ شرکت پیشنهاد وی را پذیرفت و در کلکته با حمایت دولت چاپخانه‌ای کاملاً دولتی

→

حکم‌نامه مورخ ۳ نوامبر ۱۷۸۰م (همان مأخذ، ص ۱۴۴)؛ حکم‌نامه مورخ ۲ مارس ۱۷۸۱م (همان مأخذ، ص ۱۴۷)؛ ۶ آوریل ۱۷۸۱م (همان مأخذ، ص ۱۴۸)؛ حکم‌نامه مورخ ۵ ژوئیه ۱۷۸۱م (همان مأخذ، ص ۱۴۹).

۱. همان مأخذ، صفحات مختلف.

۲. مقدمه انشای هرکرن / *Forms of Herkern*، کلکته، ۱۷۸۱م، ص ۷-۶.

3. *Home Miscellaneous Series*, p. 463.

شروع به کار کرد^۱. ویلکینس قبل از این که به علت وضع نامساعد سلامت خود در ۱۷۸۶م / [۱۲۰۰ه] هندوستان را به مقصد انگلستان ترک کند^۲ به کارگران محلی هنر ریختن حروف نستعلیق را یاد داده بود. یکی از معاصران او فرانسیس گلاوین نیز در ترویج چاپ فارسی تلاش های ثمربخش کرد. علاوه بر تألیف های متعدد او که در زمینه دستور زبان و فرهنگ است^۳، او در جنگ ادبی *The Asiatic Miscellany* یا *جواهر التالیف فی نوادر التصانیف*^۴ که در سال های ۱۷۸۵-۸۸م / [۱۲۰۲-۱۱۹۹ه] منتشر می شد، گزیده متون فارسی، عربی و اردو را با ترجمه انگلیسی ارائه نمود و افتخار آغاز چاپ کتب و مطالب ادبی را

1. R. B. Ramsthan, "Extract from the Record of Government of India", *Bengal Past and Present*, Calcutta, 1925, p. 214-215.

۲. ویلکینس در انگلستان نیز برای بهسازی تایپ فارسی تلاش می کرد. او اذعان می داشت که تایپ نسخ در مقابل نستعلیق، برای چاپ آسان تر و بهتر است، لذا او نسخ را ترجیح می داد، نک: Nazir Ahmad، ص ۶۳.

۳. برای تألیفات او درباره فارسی در ق ۱۸م نک: Graham Shaw, *SABREB*، ص ۳۶۹ و صفحات مربوطه.

۴. عنوان انگلیسی آن هر از گاهی تغییر می کرد (نک: مأخذ پیشین، ص ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۹۱)، اما عنوان عربی ثابت ماند. دو شماره اول آن در سپتامبر ۱۷۸۵م و ژوئیه ۱۷۸۶م منتشر شد که شامل گزیده هایی (متن و ترجمه) از بزرگان ادب بود همچون: سعدی، جامی، حافظ، خسرو، انوری، مولوی، نظامی، نعمت خان عالی، و گزیده متون تاریخی مثل [تذکره] خزانه عامره (آزاد بلگرامی)، عالمگیرنامه (محمد کاظم)، تزک جهانگیری، رقعات عالمگیری. بعضی گزیده ها بدون نام مؤلف است. در بخش عربی [مقامات] حریری، و در بخش اردو غزلیات سودا به چاپ رسید. در شماره سوم (ژوئیه ۱۷۸۹م) گزیده هایی از انشای ابوالفضل، ده مجلس، بوستان سعدی، تاریخ طبری، اخلاق ناصری، فرامین اکبر و اورنگ زیب و رقعات عالمگیری دیده می شود و در بخش اردو غزل های ولی دکنی آمده است.

از آن خود کرد.^۱

تحت تأثیر تلاش‌های ویلکینس و گلاوین چاپ فارسی در کلکته ادامه یافت و نیازهای دولتی و آموزشی تأمین می‌شد.^۲ تا آن‌که در ۱۸۰۰م/

۱. در مجله هفتگی *Calcutta Gazette* که از ۴ مارس ۱۷۸۴ تا ۱۸۱۵م منتشر می‌شد (نک: Graham Shaw, *SABREB*, ص ۱۵۸) گزیده غزلیات ابوطالب کلیم، حکایات بهارستان جامی و آگهی‌های فارسی زبان منتشر می‌شد. نک: عتیق صدیقی، هندوستانی اخبارنویسی کمپنی کی عهد مین، علی‌گره، ۱۹۵۷م، ص ۷۵.

۲. جوزف کوپر (Joseph Cooper) و دانیل ستورت (Daniel Stuart)، نیز مشترکاً چاپخانه شخصی / خصوصی داشتند که در آن [از فلز] حروف نستعلیق نیز ریخته‌گری می‌شد. *A Dictionary: English and Hindoostani* تألیف John Gilchrist (۱۸۴۱-۱۷۵۹م) در ۱۷۸۶م/ [۱۲۰۰ه] در آن چاپخانه چاپ شد و برای آن حروف نستعلیق ریخته همان‌جا به کار گرفتند. این فرهنگ در سال‌های ۱۷۸۹ و ۱۸۸۷م نیز تجدید چاپ شد و بخش دوم آن در ۱۷۹۰م به طبع رسید (نک: Graham Shaw, *SABREB*, ص ۱۷۱). در همان زمان، در چاپخانه Aaron Upjohn متن پندنامه سعدی با ترجمه انگلیسی در ۱۷۸۸م به چاپ رسید (همان‌جا، ص ۱۹۲) و دیوان حافظ به اهتمام و مقدمه میرزا ابوطالب اصفهانی (۱۸۰۶-۱۷۵۲م/ ۱۲۲۱-۱۱۶۵ه) در ۱۷۹۱م چاپ شد (همان‌جا، ۲۲۷). ابوطالب اصفهانی در مقدمه خود اطلاعاتی در باره آغاز چاپ فارسی در کلکته به دست داده است که نخستین نوشته در موضوع خود است و در باره روش چاپ آن زمان بحث می‌کند. چاپ جداگانه این مقدمه در تحقیق، نشریه بخش اردو، دانشگاه سند، جام شورو، ش ۹-۸ (۱۹۹۴-۹۵م) ص ۵۲۲-۵۱۹ آمده است. در چاپخانه‌های کلکته کتاب‌هایی که به فارسی یا به تایپ نستعلیق چاپ شده در *SABREB* ص ۱۶۳، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۲۷، ۲۴۳، ۲۴۴، ثبت شده است. پس از کتاب هالهید که در باره دستور زبان بنگالی بوده و به حروف نستعلیق چاپ گردیده، تا پایان ق ۱۸م/ [آغاز ۱۳ه] کتاب‌های دیگر در چاپخانه‌های مختلف به چاپ می‌رسیده که بخشی از عبارات آن‌ها به نستعلیق یا نسخ بوده و در *SABREB* در صفحات مختلف یاد شده است. علاوه بر انشای هرکرن و دیوان حافظ متون فارسی (و عربی و اردو) ای که در این مدت به تنهایی یا

[۱۵-۱۲۱۴هـ] دانشکده فورت ویلیام در کلکته تأسیس شد و برای تأمین نیازهای آموزشی دانشکده در ۱۸۰۲م / [۱۷-۱۲۱۶هـ] چاپخانه مستقل دانشکده به نام «هندوستانی پریس» پایه‌گذاری شد^۱. این چاپخانه در چاپ زبان‌های بومی به‌ویژه چاپ ادبیات اردو و تأمین نیازهای آموزشی دانشکده نقشی به‌سزا داشت. با وجود این، میتو لانسدن (Methew Lansden) استاد عربی و فارسی دانشکده فورت ویلیام در ۲۰ سپتامبر ۱۸۰۵م / [۱۲۲۰هـ] به شورای دانشکده پیشنهاد کرد که برای ترویج چاپ فارسی چاپخانه‌ای مستقل و مخصوص دایر شود. او در نظر داشت که یکی از بهترین خوش‌نویسان کلکته،

→

با ترجمه انگلیسی به چاپ رسیدند نیز در *SABREB* آمده است، همچون لیلی و مجنون هاتفی، چاپ ۱۷۷۸م (ص ۱۹۰)؛ طوطی‌نامه نخشی، چاپ ۱۷۹۲م (ص ۲۴۳)؛ الفرائد السراجیه سراج‌الدین محمد، چاپ ۱۷۹۲م (ص ۲۴۴)؛ الالفاظ الادویه نورالدین محمد عبدالله شیرازی، چاپ ۱۷۹۳م (ص ۲۴۵)، رساله در احکام عشر و خراج و بیان مالکان زمین امیر حیدر بلگرامی، چاپ ۱۷۹۶م (ص ۲۸۰)، کلیات سعدی، ج ۱، چاپ ۱۷۹۱م و ج ۲، چاپ ۱۷۹۵م (ص ۲۲۹، ۲۷۲).

۱. درباره تاریخ تأسیس چاپخانه دانشکده فورت ویلیام و حق مالکیت آن اختلاف نظر وجود دارد. دولت در ۱۸۰۱م / [۱۶-۱۲۱۵هـ] درباره تأسیس چاپخانه‌ای دولتی تصمیم گرفت و طرح‌ریزی کرد. نک: *Home Miscellanious Series*، ش (۹) ۵۳۷، ص ۳۶۳-۳۶۱، و نیز چاپ لندن، ۱۹۲۷م، ص ۳۰۵؛ Nazir Ahmad، ص ۱۶۸-۱۶۴؛ عتیق صدیقی، مأخذ پیشین، ص ۴۴-۴۳؛ همو، گلکریست اور اس کا عهد، دهلی، ۱۹۷۹م، ص ۱۳۰-۱۲۹؛ عبیده بیگم، فورت ولیم کالج کی ادبی خدمات، لکهنو، ۱۹۸۳م؛ گر بجن چندن، جام جهان‌نما: اردو صحافت کی ابتداء، دهلی، ۱۹۹۲م، ص ۲۴-۱۵؛ سسیر کمار داس در این موضوع اطلاعات مستند گردآوری کرده است، نک: مأخذ پیشین، ص ۸۶-۸۲، و برای فهرست کتاب‌های چاپ شده، ص ۱۶۴-۱۵۴، در میان سال‌های ۱۸۲۰-۱۸۰۲م [۱۲۳۵-۱۲۱۷هـ] جمعاً ۱۸ عنوان کتاب فارسی به چاپ رسید.

یعنی شیخ کلب علی را مسئول چاپخانه کند و کتاب‌هایی را چاپ کند که بین عامه مردم محبوبیت داشته باشند^۱. اما ظاهراً پیشنهاد او پذیرفته نشد. هم‌زمان، میسیونرها چاپخانه‌هایی مستقل دایر کردند و چاپ را ترویج دادند. ولی آن‌ها بیشتر به زبان‌های بومی توجه داشتند، زیرا فارسی مرام آنان را پیش نمی‌برد^۲. ادامه فعالیت‌های چاپ فارسی و زبان‌های بومی - صرف نظر از استثناءها - منحصر به توجه و مصالح بخش خصوصی و سازمان‌ها و میسیونری‌های خارجی بود. در دهه دوم ق ۱۹م / [۱۲۲۵-۳۵هـ] افراد بومی در تشکیل چاپخانه‌های خصوصی و امور چاپ تمایل نشان دادند. تا آن موقع صنعت چاپ از محدوده شهرها خارج شده به شهرستان‌ها رسیده بود. با وجود محدودیت‌های دولتی و کمبود کاغذ، صنعت چاپ به حدی پیشرفت کرد که در سال‌های ۳۲-۱۸۰۱م / [۱۲۴۸-۱۲۱۵هـ] مجموع شمارگان / تیراژ کتاب‌های چاپی حدود ۲۱۲,۰۰۰ نسخه بود^۳.

از میان اولین چاپخانه‌های خصوصی که به دست افراد بومی دایر گردید، «مطبع شکر الله» است. از نام آن پیدا است که صاحب آن مسلمان بوده است^۴.

1. *Proceedings of the College of Fort William*, dated 27 Sep. 1805, vol. 559, p. 45-46.

۲. برای بررسی فعالیت‌های ابتدایی آنان نک:

D. C. McMurtre, *Early Mission Printing Presses*, Rajkot, 1933; *The Begining of Printing in Indiā*, Rajkot, 1933; B. S. Kasavan, vol. 1, p. 179-229, Nikhil Sarkar, "Printing and the Spirit of Calcutta", *Calcutta: The Living City*, vol. I, Calcutta, 1990, p. 128-136.

3. Susan S. Wadley, p. 22.

۴. یکی از کتاب‌هایی که در ۱۸۱۲م / [۱۲۲۷هـ] در این چاپخانه به چاپ رسیده، در

در ابتدا، از میان چاپخانه‌های خصوصی افراد بومی «مطبع سلطانی» لکهنو برای ترویج فارسی فعالیت کرد. غازی‌الدین حیدر، پادشاه آود (حک: ۲۷-۱۸۱۴م / [۴۳-۱۲۲۹هـ])، آن را در ۱۸۱۸م / [۱۲۳۳هـ] تأسیس کرد^۱. او در تأسیس آن از همکاری [فنی] ارسل نامی اروپایی - شاگرد جان گل کریست - نیز برخوردار بود^۲. بنا بر روایت دیگر چاپخانه مذکور پیش‌تر در کلکته کار می‌کرد. صاحب آن شیخ احمد عرب^۳ (د: ۱۸۴۰م / [۱۲۵۶هـ]) بود که دستگاه چاپ را به

→

کتابخانه آزاد، دانشگاه اسلامی، علی‌گره، محفوظ است. نک: نادر علی خان، هندوستانی پریس: ۱۵۵۶ تا ۱۹۰۰، لکهنو، ۱۹۰۰م، ص ۲۶۸؛ در همان سال در بمبئی «مطبع فریدونجی (فردونجی) مرزبان» تأسیس گردید که در ۱۸۱۵م / [۱۲۳۰هـ] ترجمه گجراتی دبستان مذاهب را چاپ کرد، همان‌جا، ص ۸۵.

۱. مسعود حسن رضوی ادیب، «شاهان اوده کا علمی ذوق»، نذر ذاکر، گردآورده مجلس نذر ذاکر، دهلی، بدون تاریخ، ص ۱۷۹.

۲. عبدالحمید شرر، گذشته لکهنو، لکهنو، ۱۹۷۴م، ص ۱۴۲؛ حکیم محمود علی خان ماهر، تحقیقات ماهر، ص ۱۳۲ به استناد نادر علی خان، ص ۳۰۶-۳۰۵.

۳. شیخ احمد عرب فرزند محمد بن علی بن ابراهیم یمنی شروانی، در یمن فارغ التحصیل شد و به هندوستان آمد و در کلکته اقامت گرفت. در مدرسه عالی و کالج فورت ویلیام به سمت استاد زبان عربی گماشته شد. سپس به لکهنو منتقل شد و به ملازمت غازی‌الدین حیدر درآمد. پس از درگذشت غازی‌الدین حیدر، لکهنو را ترک گفت و بیشتر در مسافرت گذراند تا در ۱۹ ربیع الاول ۱۲۵۶هـ / ۱۸۴۰م در یونا وفات یافت. از آثار او الف لیلی در ۲ ج، المناقب الحیدریه و تاج الاقبال فی تاریخ بهوپال در دست است. نک: عبدالحی، نزهة الخواطر، ج ۸، کراچی، ۱۹۷۸م، ص ۳۴، رحمان علی، تذکره علمای هند، ترجمه اردوی محمد ایوب قادری، کراچی، ۱۹۶۱م، ص ۱۰۵؛ مالک رام، تلامذه غالب، دهلی، ۱۹۸۴م، ص ۲۱۰-۲۰۹.

فرمایش شاه آوَد از کلکته به لکهنو انتقال داد^۱. این چاپخانه با تایپ کار می‌کرد^۲. افراد نام‌آوری همچون شیخ احمد عرب، مولوی اوحدالدین بلگرامی^۳ و قاضی محمد صادق «اختر»^۴ در برابر دریافت حقوق گزاف به تألیف و تدوین کتب مأمور بودند. مطبع سلطانی در ۱۲۳۵هـ / ۱۸۱۹م اولین

۱. فقط هزینه انتقال و بارکشی آن به مبلغ هفتاد هزار روپیه رسید. نک: محمد ظهیرالدین بلگرامی، «تقریظ مصباح الهدایة»، تحقیق، نشریه شعبه اردو، دانشگاه سند، جام شورو، ش ۸ (۱۹۹۳م)، ص ۱۶۰-۱۵۹.

۲. در این چاپخانه تایپ بسیار عالی ریز و درشت به حروف فارسی و عربی وجود داشت. نک: مسعود حسن رضوی ادیب، ص ۱۷۹.

۳. اوحدالدین بلگرامی فرزند قاضی علی احمد (۱۸۲۴-۱۷۵۶م). در ۱۱۹۳هـ / ۱۷۷۹م در بلگرام زاده شد. در کلکته فارغ التحصیل شد و به یمن رفته شاگرد شیخ احمد عرب شد. سپس به موطن بازگشت و در لکهنو به صنعت چاپ پرداخت. شخصی دانشمند و ادیب بود. از تألیفات او نفائس اللغات و روضة الازهار و مفتاح اللسان و تذکره شعرای عرب و غیره یادگارانند. نک: منشی محمد محمود عثمانی بلگرامی، تنقیح الکلام فی تاریخ خطه پاک بلگرام، علی‌گره، ۱۹۶۰م، ص ۲۱۱؛ عبدالحی، مأخذ پیشین، ص ۸۹-۸۸؛ رحمان علی، مأخذ پیشین، ص ۱۲۷-۱۲۶.

۴. قاضی محمد صادق «اختر» فرزند قاضی محمد لعل. در ۱۲۰۱هـ / ۱۷۸۵م در هوگلی متولد شد و در ۱۲۷۵هـ / ۱۸۵۹م وفات یافت. در لکهنو منشی نماینده انگلیسی‌ها بود. بعدها به ملازمت غازی الدین حیدر درآمد و به «ملک الشعرا» مخاطب شد. پس از وفات غازی الدین حیدر به کانپور رفت و «تحصیل‌دار» آن‌جا شد. از تألیفات او مثنوی سراپا سوز، صبح صادق، حدیقه الارشاد، بهار اقبال، مفید المستفید، هفت اختر، لوامع النور، گلدسته محبت، بهار بی‌خزان، محامد حیدری، نقود الحکم، مخزن الجواهر و تذکره آفتاب عالم‌تاب شهرت دارند. نک: مظفر حسین صبا، روز روشن، تهران، ۱۳۴۳هـ، ص ۴۱-۴۰، صدیق حسن خان، شمع انجمن، بهوپال، ۱۲۹۳هـ، ص ۶۳؛ قاضی عبدالودود، تعلیقات تذکره ابن طوفان، تألیف ابن امین الله طوفان، پتنا، ۱۹۵۴م، ص ۶۵-۶۰؛ [عارف نوشاهی، «اختر»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳/۷].

کتاب عربی را با نام مناقب حیدریه^۱ تألیف شیخ احمد عرب به چاپ رسانید. از میان کتاب‌های فارسی‌ای که در آن چاپخانه به طبع رسیده می‌توان از محامد حیدریه^۲، زاد المعاد^۳، هفت قلزم^۴ و تاج اللغات^۵ نام برد. چون تمام کتاب‌های مذکور به حروف تاییبی چاپ شده بود، مورد پسند مردم عامه واقع نشد و این

۱. در مدح غازی‌الدین حیدر، در ۲۰۰ ص است. نک: یوسف البیان سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعربة، قم، ۱۴۱۰هـ، ستون ۱۱۲۱.

۲. از تألیفات قاضی محمد صادق اختر [که در ۱۸۲۳م / ۱۲۳۸هـ در مطبع مرتضوی، لکهنو، در ۳۵۸ + ۳۵ ص به چاپ رسید. نک: ای. جی. آربری، *Catalogue of the Library of the India office: Persian Books*، لندن، ۱۹۳۷م، ص ۲۷۷، نیز: نک: عارف نوشاهی، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ش ۱۰۳۶۱].

۳. از آثار محمد باقر بن محمد تقی مجلسی در مسائل عبادات شیعی است. در سال‌های ۱۸۷۹م و ۱۸۸۵م در لکهنو به چاپ رسید.

۴. در مطبع سلطانی در ۲ ج در ۱۸۲۲م / ۱۲۳۷هـ، در ۳۵۴ + ۲۴۲ ص چاپ شد. آربری، ص ۱۸۱؛ روی جلد نام غازی‌الدین حیدر به عنوان مؤلف چاپ شده است. نجم الغنی در تاریخ اوده، لکهنو، ۱۹۱۹م، ج ۴، ص ۲۰۹-۲۰۷ نظری غیر از این دارد. البته دیباجه آن را مقبول محمد نوشت و تنظیم و ترتیب آن نیز به عهده او بوده است. این فرهنگ بعدها در مطبع نول کشور، لکهنو، ۱۸۷۹م در ۷ ج منتشر شد. نک: آربری، ص ۱۸۱؛ چاپی دیگر در ۱۸۹۱م در ۱۱۷۰ ص انجام گرفت. نک: شهریار نقوی، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، ۱۳۴۱هـ ش، ص ۲۲۰-۲۱۷؛ [نیز: نک: عارف نوشاهی، مأخذ پیشین، ش ۳۶۰۳].

۵. فرهنگ عربی به فارسی است که در ۷ ج و در ۲۹۱۷ ص چاپ شد. نک: مسعود حسن رضوی ادیب، لکهنویات ادیب، اسلام‌آباد، ۱۹۸۸م، ص ۱۱-۹؛ همان مؤلف، شاهان اوده کا علمی ذوق، ص ۱۷۹؛ به گفته اشپرنگر به دستور غازی‌الدین حیدر در آن اضافات متعدد شد و شمار صفحاتش پنج هزار بود، نک: اشپرنگر، *Report of the Researches into the Mahommadan Libraries of Oudh*، کلکته، ۱۸۹۶م، ص ۲.

چاپخانه - در واقع سلطنتی - نتوانست فعال باشد^۱.

تا آن موقع برای چاپ تاییی از کلیدهای فلزی استفاده می‌شد. اما ریختگی حروف نستعلیق یا نسخ به گونه‌ای که در حروف چینی، حرف‌ها با هم متصل باشند، کاری آسان نبود. فاصله‌ای که بین بندهای حروف باقی می‌ماند، به زیبایی صوری لفظ لطمه می‌زد و مردمی که به خوش‌نویسی و خطاطی مألوف و مأنوس بودند، چشمشان به حروف تاییی [فاصله‌دار] عادت نکرد. در تایپ نستعلیق، اتصال حروف عملی دشوار و هیچ‌وقت به دور از عیب نبود. در نتیجه، افرادی که به کتابت نستعلیق عادت داشتند، تایپ نستعلیق را نمی‌پسندیدند. آنان در برابر خط نسخ هم عکس‌العمل مشابه‌ای داشتند. تا چاپخانه‌های سنگی دایر شود، به اجبار و قهراً از چاپ تاییی استفاده می‌شد. در عین حال تلاش‌هایی برای برطرف کردن نواقص و عیب‌های تاییی ادامه یافت. از آن جایی که تلاش‌های مذکور جنبه انفرادی داشت، هر چاپخانه نمونه‌های تایپ خودش را داشت که خواه ناخواه، تنوع را نیز به وجود آورد. علاوه بر نستعلیق، تایپ نسخ نیز به کار برده می‌شد. گاهی تلاش شد که هر دو تایپ را ادغام کنند. در نتیجه خطی جدید ممزوج از نستعلیق و نسخ به وجود آمد. نمونه‌های این خط در مطبوعات و کتاب‌های چاپ نیمه اول ق ۱۹م / [۱۳هـ] دیده می‌شود. اگر چه در چاپ تاییی انحصارطلبی نستعلیق همیشه مورد قبول نبوده، ولی به طور عموم در چاپ نستعلیق رایج‌تر بود و فقط در چند سال اخیر است که

۱. حکیم محمود علی خان ماهر، تحقیقات ماهر، ص ۱۳۲ به استناد نادر علی خان، مأخذ پیشین، ص ۳۰۶؛ اما به استناد گواهی معاصر خشم غازی الدین حیدر به شیخ احمد عرب موجب تعطیل چاپخانه شد. محمد ظهیرالدین بلگرامی، مأخذ پیشین، ص ۱۶۰؛ محمد ظهیرالدین بلگرامی این چاپخانه را دوباره به راه انداخت، همان‌جا، ص ۱۶۱-۱۶۰.

تجربیات موفقیت آمیز حروف چینی کامپیوتری نقایص تایپ دستی نستعلیق را از بین برداشته است.^۱ امروزه در سراسر شبه قاره برای چاپ اردو خط نستعلیق رایج و مرغوب و پسند عامه است.

◀ III. آغاز چاپ سنگی و رونق چاپ آثار فارسی

آغاز چاپ فارسی در شبه قاره، عصر رواج چاپ تایپ با کلیدهای متحرک بود. چاپ به وسیله قالب های چوبی - که از دو قرن پیش تر در چین رایج بود - در آغاز ق ۱۸ م / [۱۳ هـ] از راه اروپا به شبه قاره رسید.^۲ در آغاز صنعت چاپ، خود چاپ هیچ کششی برای مسلمانان نداشت. اگر چه در مهر سازی و نقاشی روی پارچه استفاده از قالب های چوبی معمول روزمره مسلمانان بود، اما آنها برای چاپ روی کاغذ به این ابزار دستی خود متوجه نشدند. احساس مقاومت در مقابل استعمار بریتانیا در شبه قاره از یک سو و بهره برداری از فواید اختراعات مفید غرب از سوی دیگر، مسلمانان را متوجه چاپ کرد. وانگهی مسلمانان می دیدند که دومین ملت بزرگ شبه قاره (هندوان) - که مسلمانان در

۱. روزنامه پُر تیراژ اردویی جنگ، انتشار خود را در تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۸۱ م در لاهور با حروف چینی نستعلیق کامپیوتری [به اصطلاح «نستعلیق نوری»] آغاز کرد. [تا کنون در اوائل ۱۳۸۰ هـ ش / ۲۰۰۱ م نرم افزارهای متعدد کامپیوتری اردو به بازار آمده و تجربه شده است؛ اما هیچ کدامشان خالی از اشکال و نواقص نیست. «مقتدره قومی زبان» (فرهنگستان زبان اردو در پاکستان) تلاش می کند که با همکاری بخش خصوصی، نرم افزاری جامع و بدون عیب را در اختیار استفاده کنندگان گذارد.]

2. L. Cardon and H. Hostan, "Earliest Jesuits Printing in India", *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, Calcutta, March, 1913, p. 149.

تمام ادوار استعمار بریتانیا با آنان رقابت داشتند - از اختراعات فرنگی به نحو احسن استفاده می‌کنند و مسلمانان نخواستند در مسابقه پیشرفت از حریفان خود عقب بمانند. رواج چاپ سنگی مسلمانان را آماده ورود به صنعت چاپ کرد و دیگر جای بگومگو نبود. با رواج چاپ سنگی، در سراسر شبه قاره فعالیت‌های چاپ فراگیر تر شد و مدتی نگذشت که در تمام کشور شبکه چاپخانه‌های معمولی خصوصی سنگی دایر گردید.^۱

با ایجاد چاپ سنگی، امور چاپ آسان‌تر و ارزان‌تر انجام می‌شد. اما عیب‌هایی نیز داشت. مثلاً در چاپ سنگی کتاب‌های پُر شمارگان حفظ معیار و کیفیت یکنواختی چاپ ممکن نبود. زیرا در چاپ‌های پُر شمارگان پس از عملیاتی محدود، حروف از روی تخته سنگ از هم می‌پاشید، یا می‌سایید و با وجود دستکاری و ترمیم، چاپ به معیار اولیه نمی‌رسید، در نتیجه نه معیار حفظ می‌شد و نه زیبایی. عیب‌ها و نواقص چاپ سنگی، سید احمد خان (۹۸-۱۸۱۷ م / [۱۳۱۶-۱۲۳۲ هـ]) را وادار کرد که برای انتشارات خود - که نهضت آموزشی او را تقویت می‌کرد - به جای استفاده از چاپ سنگ، دوباره چاپ تایپ را به کار گیرد. انتشارات انجمن علمی (Scientific Society) او به جای نستعلیق - که در تایپ زیبایی اصیل خود را از دست داده بود - به تایپ

۱. چاپخانه‌هایی همچون روییدنی‌های خودرو پدید می‌آمدند و به‌زودی از صحنه پنهان می‌شدند. نک:

Joseph Warren, *A Glance Background at Fifteen Years of Missionary Life in North India*, Philadelphia, 1856, p. 45.

برای ضررهای تجاری و اجتماعی این گونه چاپخانه‌ها نک: محمد ظهیرالدین بلگرامی، مأخذ پیشین، ص ۶۳-۱۶۲.

نسخ چاپ می‌شد. انتشارات انجمن علمی چه از لحاظ موضوع و چه از لحاظ مرام مورد توجه مردم واقع شد و در نتیجه تا مدتی تایپ نسخ رواج داشت، اما از اقبال عمومی برخوردار نشد. انجمن علمی در چاپ کتب و جراید خود به ناچار شیوه تایپ نسخ را ترک گفته روی به خوش‌نویسی نستعلیق و چاپ سنگی آورد. به مرور زمان در چاپ تایپی هم ابتکاراتی رُخ داد و ناشران از تایپ نسخ و نستعلیق استفاده کردند. اما خوش‌نویسی نستعلیق و چاپ سنگی مورد پسند عامه واقع شد. تا آن‌که چاپ افست به میدان آمد و نه تنها معیار چاپ را بالا برد بلکه خوش‌نویسی را زیباتر جلوه نمود. یک‌بار دیگر به چاپ تایپی و نسخ توجه کمتر شد و بر قبول نستعلیق افزوده شد.^۱

چاپ سنگی در شبه قاره در ۱۸۲۳ م / [۱۲۳۸ هـ] آغاز به کار کرد^۲ و شرکت

۱. نویسندگان مختلف ارتقای به کارگیری تایپ نسخ و نستعلیق را در صنعت چاپ هندوستان مورد مطالعه قرار داده‌اند. نک: مرزا رفیق بیگ، «نستعلیق تایپ»، اردو، اورنگ آباد، ژانویه ۱۹۲۹ م، ج ۹، ش ۳۳، ص ۱۱۲-۶۷، این مقاله در موضوع خود جامع الاطراف است؛ هارون خان شیروانی، اردو رسم الخط اور طباعت، حیدرآباد دکن، ۱۹۵۷ م؛ طارق عزیز، اردو رسم الخط اور تایپ، اسلام آباد، ۱۹۸۷ م.

۲. طبق اطلاعی اولین چاپخانه سنگی در کلکته در ۱۸۱۰ م بنیاد گذارده شد. نک:

Ram Ratan Bhatnagar, *The Rise and Growth of Indian Journalism*, Allahabad, 1947?, p. 22.

اما این امر درست نیست. شاید اشاره مؤلف به «هندوستانی پریس» است که می‌گویند از آن مولوی اکرام علی (د: ۱۲۵۳ هـ / ۱۸۳۷ م) بود، که البته این مسأله تأیید نشده است. برای بحثی در این مورد نک: نادم سیتاپوری، فورت ولیم کالج اور مولوی اکرام علی، لکهنو، ۱۹۵۲ م، باب مربوطه؛ عتیق صدیقی، گل کرست اور اس کا عہد، ص ۱۳۰-۱۲۹؛ همان مؤلف، هندوستانی اخبار نویسی کمپنی کی عہد مین، ص ۴۴-۴۳؛ گر بچن چندن، مأخذ پیشین، ص ۱۹-۱۵؛ نادر علی خان، مأخذ پیشین، ص ۲۵۸-۶۸، ۲۶۷.

هند شرقی چاپخانه‌های اولیه سنگی را در شهرهای مدراس، بمبئی و کلکته دایر کرد^۱م. از آن جاکه [از نظر فنی] به راه انداختن چاپخانه سنگی آسان تر بوده، در عرض سه سال در ۱۸۲۶م / [۱۲۴۱هـ] اولین چاپخانه خصوصی سنگی در بمبئی به نام «مطبع فریدونجی سهرابجی دستور» به وجود آمد^۲. اولین کتاب فارسی چاپ سنگی ادله قویه بر عدم جواز کیسه در شریعت زرتشتیه تألیف ملا فیروز بن کاووس (۱۸۳۰-۱۷۵۸م) است که در ردّ شواهد النفیسه... تألیف محمد هاشم اصفهانی نوشته شده است. ادله قویه... در ۱۸۲۷م / [۴۳-۱۲۴۲هـ] در «مطبع بمبئی سماچار» بمبئی به چاپ رسید^۳. در همان سال در کلکته گلستان

1. R. H. Philmore, *Historical Record of the Survey of India*, Dehra Dun, 1954, vol. 3, p. 292, 298; A. A. Priolkar, p. 103,

اما گفته می‌شود که «ایشیاتک لیتوگرافیک پریس» کلکته اولین چاپخانه سنگی بود که در ۱۸۲۵م / [۴۱-۱۲۴۰هـ] تأسیس گردید. نک:

Herman Losty, "Sir Charles Royly's Lithographic Press", *India a Pageant of Prints*, Bombay, 1989, p. 136.

در همان سال در بمبئی، مدراس و پتنا چاپخانه‌های سنگی تأسیس گردید، نک: همان مأخذ، ص ۱۳۹-۱۳۷.

2. Priolkar, p. 111.

۳. نسخه‌ای از این چاپ در موزه بریتانیا، لندن، ش 14724. h. 1 نگه‌داری می‌شود. نک:

Edward Edwardes, *A Catalogue of the Persian Printed Books in the British Museum*, London, 1923, col. 213.

برای اطلاعات بیشتر درباره کتاب و مؤلف آن نک: سید حسن عسکری، مقالات سید حسن عسکری، پتنا، ۱۹۹۶م، ص ۴۰۷-۳۹۷؛ M. M. Marzuban, *The Parsis in India*، بمبئی، ۱۹۱۷م، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۰؛ برای کتاب‌شناسی مسأله کیسه نک: همان‌جا، ص ۲۱۵؛ و برای ملا فیروز نک: همان‌جا، ص ۲۰۷-۲۰۶؛ [نیز نک: عارف نوشاهی، مأخذ پیشین، ش ۵۸۷].

سعدی^۱ و یک سال بعد در همان جا بوستانِ سعدی^۲ چاپ سنگی خورد. اما رونق چاپ سنگی فارسی مدیون چاپخانه‌هایی در شمال هندوستان به ویژه در کانپور و لکهنو بود. اولین مطبع سنگی کانپور را آرچر (Archer) نامی فرنگی دایر کرد که بعدها او به خواهش نصیرالدین حیدر شاه آود (۳۷-۱۸۲۸م / [۵۳-۱۲۴۳هـ]) آن را به لکهنو منتقل کرد^۳ و در ۱۸۳۱م / [۴۷-۱۲۴۶هـ] اولین کتاب را با نام بهجة مرضیه فی شرح الفیه به چاپ رسانید^۴. این چاپخانه به دو نام «سلطان المطابع» و «مطبع سلطانی» شهرت داشت و تا انقراض سلطنت آود

۱. نسخه‌ای از این چاپ در موزه بریتانیا، لندن، ش 13. A. 757 وجود دارد. نک: Edwardes, ص ۵۵۵؛ نادر علی خان، مأخذ پیشین، ص ۳۰۹ می‌گوید که گلستان چاپ ۱۸۲۸م در کتابخانه شخصی مالک رام، دهلی موجود است. [برای چاپ‌های قدیم گلستان نک: عارف نوشاهی، مأخذ پیشین، ش ۵۴۳۶]

۲. نسخه‌ای از این چاپ نیز در موزه بریتانیا، لندن ش 14. I. 757 موجود است. نک: Edwardes, ص ۵۴۸؛ در آن هنگام دو چاپخانه سنگی در کلکته فعال بودند؛ یکی Government Lithographic Press و دیگری Asiatic Lithographic Press. نک: Nazir Ahmad, مأخذ پیشین، ص ۱۳۷.

3. A. Sprenger, *A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustani Manuscripts of the Libraries of the Kings of Oudh*, Calcutta, 1854, vol. 1, preface, p. 5.

اما بر اساس *Bengal political Consultations* مورخ ۱۶ اکتبر ۱۸۴۹م، آرچر در آن چاپخانه فقط استخدام بود. به شهادتی دیگر منتظم الدوله حکیم مهدی علی خان (د: ۱۲۵۳هـ / ۱۸۳۷م) به آرچر مبلغ پانصد روپیه به تفاریق پرداخت. نک: کمال الدین حیدر، *قیصر التواریخ*، لکهنو، ۱۸۹۶م، ج ۱، ص ۳۱۰. قائم مقام نمایندگی [به اصطلاح «مدار المهام»] کلنل لاکت (Col. Lockett) نیز به امر چاپخانه اهتمام داشته است. چون منتظم الدوله نسبت به او نظر موافقی نداشت، وی را برکنار کرد. نک: همان جا، ص ۲۹۹.

4. A. Sprenger, preface, p. 5.

(۱۲۷۲هـ / ۱۸۵۶م) در لکهنو فعال بود. شاه مخلوع اوّذ واجد علی (۱۸۴۷-۵۶م / [۷۲-۱۲۶۳هـ]) پس از تبعید خود از لکهنو به کلکته، چاپخانه مذکور را دوباره در متیابرج کلکته فعال کرد. شاید ریاض القلوب تألیف واجد علی شاه آخرین کتابی باشد که در ۱۸۸۵م / [۱۳۰۲هـ] در آن چاپخانه به چاپ رسید.^۱ «مطبع حاجی حرمین شریفین» (مطبع محمدی) ظاهراً دومین چاپخانه خصوصی لکهنو است که به تقلید از آن «مطبع مصطفایی» تأسیس شد. سپس در لکهنو و اطراف آن شبکه‌ای از چاپخانه‌ها به وجود آمد که هر یک از آن‌ها موجب رونق و توسعه چاپ فارسی شد.^۲

آغاز چاپ سنگی را می‌توان نقطه عطف تاریخ چاپ در هندوستان دانست، زیرا چاپ سنگی موجب تسریع و تحرک و گسترش در کار شد. نصب دستگاه چاپخانه سنگی نه سرمایه‌گذاری کلان می‌خواست و نه فنّ آوری پیچیده، [و در مقایسه با چاپ تایپی] نامطبوع هم نبود. آسانی و ارزانی دو امتیاز بارز چاپ سنگی بود که آن را به صنعت مفید و پول‌ساز تبدیل کرد. اینک، تقریباً تمام شبه قاره تحت سلطه بریتانیا در آمده بود و کشور و جامعه بر سر دوراهی ابزارهای

۱. کوکب قدر سجاد علی مرزا، واجد علی شاه کی ادبی و ثقافتی خدمات، دهلی، ۱۹۹۵م، ص ۵۰۷-۵۰۹.

۲. برای اطلاعات بیشتر نک: عبدالحلیم شرر، مأخذ پیشین، ص ۱۴۳ و بعد؛ نادر علی خان، مأخذ پیشین، ص ۳۲۲-۳۱۳، در ۱۸۳۱م / [۴۷-۱۲۴۶هـ] - که تازه در لکهنو چاپ سنگی آغاز شده بود - در آن جا دست‌کم ۱۷ چاپخانه فعال بود، نک: *Bengal Political Correspondence*، مورّخ ۱۶ اکتبر ۱۸۴۹م، ش ۱۳۰، در «گنجینه شرقی و دیوان هند»، کتابخانه بریتانیا، لندن. در ۱۸۳۴م / [۵۰-۱۲۴۹هـ] در اُستان متحد (UP) و پنجاب ۳۷ چاپخانه فعال بود. نک: گارسن دُتاسی، «سخنرانی هفتم»، اردو، اورنگ آباد، ژانویه ۱۹۲۹م، ص ۳۷۲.

نوین و نظریات قدیم و جدید و تحولات سیاسی و تعلیمی مانده بود. اقتضای اوضاع سیاسی از یک سو و علل تاریخی و فرهنگی از سوی دیگر موجب آغاز نهضت‌های سیاسی علیه سلطهٔ بریتانیا و جنبش‌های ملی‌بیداری و اصلاح‌طلبی شد. برای هر نهضت و جنبش بزرگ‌ترین وسیلهٔ ابلاغ زبان است و زبان هم به وسایل ارتباط جمعی اتکامی‌کند و اینک این پشتیبان به صورت چاپخانه‌های سنگی در هر کوی و برزن وجود داشت. در چنین وضعی، مسلمانان که تاکنون از روی آوردن به صنعت چاپ گریز داشتند، چاپ سنگی را برای خود سودمند و آسان گرفتند. این حرفه را برگزیدند و به حدی پیشرفت کردند که تا آخر ق ۱۹م / [آغاز ق ۱۴هـ] هیچ ملّتی در آسیا جرأت رقابت با آنان رانداشت. حکومت‌گران بریتانیایی اذعان داشتند که تجارت کتاب‌های [چاپی] مذهبی در ق ۱۹م / [۱۴-۱۳هـ] عمدتاً در دست مسلمانان بود.^۱ خاورشناس نامدار الویس اشپرنگر (Aloys Sprenger) (۱۸۰۳-۹۳م) نیز این امر را تأیید کرده است. به گفتهٔ او اگر چه تیراژ کتاب‌هایی که تا ۱۸۵۴م / [۷۱-۱۲۷۰هـ] در چاپخانه‌های سنگی لکهنو و کانپور به چاپ رسیده بود، فقط به هفتصد نسخه می‌رسید، اما همین مقدار محدود، شمار خوانندگان باسواد مذهبی را افزایش داد، حتی به وسیلهٔ همین کتاب‌ها زنان کتاب‌خوان نیز پیدا شدند. مسلمانان تا قرن‌ها به منابع خود دسترسی نداشتند، اما اینک متون و منابع اصیل به دست عامهٔ مسلمین رسیده بود.^۲ نسخه‌های قرآن مجید و متون حدیث که در آن مدت به طبع رسیده، جزو نخستین متون چاپی جهان اسلام است. نهضت‌های دینی

1. Barbara D. Metcalf, *Islamic Revival in British India, Deoband, 1860-1900*, Princeton, 1982, p. 198-203.

۲. همان مأخذ، مقدمه، ص ۱۳-۱۲.

اصلاح طلبی و جنبش‌های سراسری بیداری ملی در بین مسلمانان در آن مقطع زمانی گسترده‌تر شد. خانواده شاه عبدالعزیز دهلوی (۱۸۲۴-۱۷۴۶م / [۱۲۳۹-۱۱۵۹ه]) و شاگردان او - که در تبلیغ تعلیمات اسلامی بین عامه مسلمین تلاش‌های مؤثر داشتند - ادبیات مخصوص نهضت خود را در سطح وسیع‌تری انتشار دادند.^۱ عبدالله سیرام‌پوری (د: ۱۸۴۸م / [۱۲۶۴ه]) که به جنبش جهاد سید احمد شهید (۱۸۳۱-۱۷۸۶م / [۱۲۴۶-۱۲۰۱ه]) وابسته بود، به ترغیب سید احمد در ۱۸۲۴م / [۱۲۳۹ه] در کلکته چاپخانه‌ای خصوصی به نام «مطبع احمدی» تأسیس کرد.^۲ این مطبع سیل ادبیات جنبش جهاد را در

۱. کتاب‌های مهم این نهضت در تألیفات زیر بررسی شده است: معین الدین عقیل، تحریک آزادی مین اردو کا حصہ، کراچی، ۱۹۷۶م، ص ۲۵۲-۲۴۷؛ خواجہ احمد فاروقی، اردو مین وہابی ادب، دہلی، ۱۹۶۷م؛ تحفۃ اثنا عشریہ تألیف شاه عبدالعزیز بہ حروف تاییی در ۱۸۰۰م در کلکته چاپ شد (نک: مقیت الحسن، کلکته کی قدیم مطابع اور ان کی مطبوعات: ایک تذکرہ، کلکته، ۱۹۸۰م، ص ۱۴۲)؛ این کتاب در ۱۸۲۲م نیز چاپ شد. ترجمۃ اردوی تحفۃ اثنا عشریہ از روی همین چاپ است کہ با نام تفسیر تبارک الّٰدی منتشر شد. نک: خدابخش خان، محبوب الالباب فی تعریف الکتب و الکتاب، پتنہ، ۱۸۹۸م، ص ۹۱؛ صراط مستقیم از تألیفات مهم فارسی محمد اسماعیل دهلوی (د: ۱۲۴۶ھ / ۱۸۳۱م) است کہ در ۱۸۲۳م در کلکته چاپ تاییی شد. نسخہ‌ای از این چاپ در موزۃ بریتانیا، لندن، ش 14724. d. موجود است. نک: Edward Edwards. مأخذ پیشین، ستون ۴۹۲؛ فعالیت‌های مطبعہ‌ای مبارزان [بہ اصطلاح: مجاہدین] را غلام رسول مہر در جماعت مجاہدین، لاہور، بی تا، ص ۲۸۷، ۲۹۴، بہ ویژہ ص ۳۰۶-۳۰۷ متذکر شدہ است.

2. Garcin De Tassy, *Histoire de la Litterature Hindouie et Hindoustanie*, Paris, 1839-1847, vol. I. p. 81-87, vol. III, p. 32-37; M. Ahmad, *Syed Ahmad Shahid: His Life and Mission*, Lucknow, 1975, p. 312-313;

غلام رسول مہر، مأخذ پیشین، ص ۲۸۷، ۳۰۹-۳۰۵؛ محمد ایوب قادری، اردو نشر کی ارتقا مین علماء کا حصہ، لاہور، ۱۹۸۸م، ص ۹۸-۱۹۷.

مدت کوتاهی هشت سال به بازار کتاب برد^۱. شمارگان به حدی بالا رفته بود که کتاب‌ها نه تنها در شبه قاره پخش می‌شد بلکه از راه افغانستان به آسیای میانه هم می‌رسید^۲. طبق محاسبه دولتی فقط در مدت یک سال (۱۸۷۱م / ۱۲۸۸هـ) سی هزار نسخه قرآن مجید به چاپ رسید^۳. فعالیت‌های روزافزون مطبوعاتی جنبش‌ها به وسیله روحانیون اسلام، اینک به خدمت دانش و آموزش و اصلاح احوال و مناظرات دینی در آمده بود و نیک پیدا بود که صنعت چاپ در شبه قاره در انحصار روحانیون مسلمان است و هیچ ملتی در مصاف آنان نبود^۴. چاپ برای مسلمانان سلاحی بود علیه نهضت‌های هندویی و مسیحی^۵، و روحانیون مسلمان برای تقویت علمی هم‌کیشان خود چاپ را به عنوان مؤثرترین ابزار

1. J. R. Colvin, "Notices on Peculiar Texts held by the Followers of Syed Ahmed...", *Journal of the Royal Asiatic Society of Bengal, Calcutta*, 1832, p. 494.

۲. «(مطبع مصطفایی و) مطبع نول کشور، لکهنو، به حدی رشد و ترقی نمودند که ادبیات مشرق زمین را احیاء کردند. از لحاظ وسعت صنعت چاپ امتیازی که لکهنو داشت، نصیب هیچ شهر دیگری نشد. از یمن آن، لکهنو نیازهای علمی کاشغر و بخارا در آسیای میانه و افغانستان و ایران را تأمین می‌کرد». عبدالحلیم شرر، مأخذ پیشین، ص ۱۴۴.

3. Proceeding, dated 20 Feb. 1872, *Selections From the Vernacular News Papers Published in the Punjab, North Western Province, Oudh and the Central Provinces 1860-1900*, paragraph. 2.

4. Kenne W. Jones, *Arya Dharam*, Berkeley, 1976, p. 20.

۵. ابزار چاپ بود که گنجینه‌ای از ادبیات مناظره را به دست مبلغان و مناظران داد. نک:

Emmett Davis, *Press and Politics in British Western Punjab*, Delhi, 1983, p.

24; Susan S. Wadley, p. 22.

برگزیدند.^۱ توجه آنان به نشر ادبیات اسلامی و تراجم متون کهن دینی متمرکز بود. کار چاپ و نشر به یک دو چاپخانه منحصر نبود. چاپخانه‌های متعدد در نشر معارف اسلامی فعال و سهیم بودند. البته خدمات چند چاپخانه شایان ذکر است. به عنوان نمونه «مطبع صدیقی» واقع در بریلی که مولانا محمد احسن نانوتوی (۱۸۹۵-۱۸۲۵ م / ۱۳۱۲-۱۲۴۰ هـ) در ۱۸۶۲ م / [۷۹-۱۲۷۸ هـ] تأسیس کرده بود، به تجدید چاپ کتب عربی و فارسی و تراجم و ادبیات مناظره و جنبش دینی توجه داشت.^۲ ابزار چاپ نه تنها موجب گسترش میراث عظیم مکتوب اسلامی شد بلکه وسیله‌ای برای حفظ و ابلاغ این میراث به نسل‌های آینده نیز گردید. گزینش حرفه چاپ از سوی مسلمانان را می‌توان تلاشی برای جبران انحطاط سیاسی آنان گفت.^۳

در میانه ق ۱۹ م / [۱۳ هـ] صنعت چاپ به عنوان ابزاری مؤثر و محرکی کلان برای تحولات مذهبی و سیاسی در جامعه اسلامی شبه قاره بروز کرد. روحانیت اسلام هیچ‌وقت در تاریخ شبه قاره چنان تأثیرگذار نبوده که بعد از انقلاب صنعت چاپ مؤثر می‌بود. فقط روحانیون وابسته به نهضت شاه عبدالعزیز نبودند

۱. عبدالحلیم شرر می‌گوید: «آغاز کار چاپ در لکهنو از جنبه تجاری نبود بلکه از روی علاقه و ذوق بود. کاغذ بسیار مرغوب تهیه می‌شد که برای چاپ سنگ بسیار مناسب بود. خوش‌نویسان طراز اول با پرداخت حقوق مکفی به خدمت کتابت گرفته می‌شدند.... خلاصه تمام وسایل درجه یک به کار گرفته می‌شد. در نتیجه در زمان سلطنت لکهنو کتاب‌های درسی و دینی فارسی و عربی‌ای در لکهنو چاپ می‌شد که صاحب‌نظران می‌دانند در جایی دیگر امکان چاپ آن‌ها وجود نداشت». همان مأخذ، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲. محمد ایوب قادری، مولانا محمد احسن نانوتوی، کراچی، ۱۹۶۶ م، ص ۷۹-۷۱، به بعضی مطبوعات مهم استناد کرده است.

که چاپ را اختیار کردند بلکه علمای فرهنگی محل و روحانیون اهل حدیث و دیوبند و سایر مکتب‌ها نیز به واسطه این ابزار مرام‌ها و مصالح خود را تأمین کردند.^۱

◀ IV. انحطاط چاپ فارسی

برای شاهد رونق چاپ فارسی در شبه قاره در ق ۱۹م / [۱۳ه] کافی است فقط نام «مطبع نول‌کشور» را بریم. در میانه ق ۱۹م / [۱۳ه] «مطبع مصطفایی» کان‌پور و لکهنو هم اهمیت به‌سزایی دارد. زیرا کتاب‌های آن نمونه خوب و زیبا و نفیس چاپ بود و شمارگان نیز در قیاس با دیگر چاپخانه‌ها بیشتر بود.^۲ فعالیت‌های این دو چاپخانه در قیاس با سایر چاپخانه‌های آن دوران منحصر به فرد و بی‌نظیر است. دوران فعالیت «مطبع نول‌کشور» از ۱۸۵۸م / [۱۲۷۴ه] تا حدود ۱۹۴۰م / [۱۳۵۹ه] است. در حین حیات بنیادگذار و مدیر آن منشی نول‌کشور (۱۸۹۵-۱۸۳۶م / ۱۳۱۲-۱۲۵۱ه) فعالیت‌های آن به اوج رسیده بود. مرکز مطبع لکهنو بود و شاخه‌های آن در کان‌پور، لاهور، جبل‌پور،

۱. Barbara D. Metcalf, ص ۱۰۴، ۱۷۱، ۲۰۲-۱۹۹، ۲۰۶-۲۰۴، ۲۴۳؛ ف. رابینسون (Francis Robinson) اجرای مجله طلسم لکهنو را کمی قبل از جنگ آزادی ۱۸۵۷م و بعدها اجرای کارنامه - هر دو از لکهنو - را به دور از غرض نمی‌بیند. نک: همان مأخذ، ص ۷۱. مجری هر دو مجله مولوی محمد یعقوب (د: ۱۳۲۵ه / ۱۹۰۷م)، یکی از علمای فرهنگی محل بود.

۲. محمد عتیق صدیقی، صوبه شمالی و مغربی کی اخبارات و مطبوعات، علی‌گره، ۱۹۶۲م، ص ۳۳، ۳۶، ۲۰۳.

پتیاالا و اجمیر دایر بود^۱. «مطبع نول کشور» نه تنها در هندوستان، بلکه در آسیا به صورت بزرگ‌ترین چاپخانه وقت در آمده بود^۲. روی هم رفته صنعت چاپ روبه ترقی و تزاید بود، اما چاپ فارسی روبه زوال نهاد. نیمه اول ق ۱۹م / [۱۳ه] از آن رو که چاپخانه‌های خصوصی در دست مسلمانان می‌بود، عصر طلایی برای چاپ فارسی به شمار می‌رود. ولی اردو که زبان روزمره مسلمانان بود، اینک زبان علمی، ادبی و مطبوعات نیز شده بود^۳. از سوی دیگر حکومت بریتانیای هند در ۱۸۳۲م / [۴۸-۱۲۴۷ه] فارسی را از رسمیت و حیثیت زبان دادگاهی انداخت^۴. این اقدام ضربتی به ارزش دیرینه فارسی و مقام و موقعیت

۱. امیر حسن نورانی، منشی نول کشور: حالات و خدمات، دهلی، ۱۹۸۲م، ص ۷۴.

2. Veena Oldenburg, *Making of Colonial Lucknow*, Princeton, 1984, p. 236.

برای اطلاعات بیشتر و خدمات این چاپخانه نک: محمد ظهیرالدین بلگرامی، مأخذ پیشین؛ امیر حسن نورانی، مأخذ پیشین؛ نیز نک: همان مؤلف، سوانح منشی نول کشور، پتنا، ۱۹۹۵م؛ همان مؤلف، منشی نول کشور اور آن کی خطاط و خوش نویس، دهلی، ۱۹۹۴م.

۳. شیوع صنعت چاپ چگونه باعث تحولات در زبان مورد پسند وقت، یعنی اردو (و سپس هندی) شد و آنرا تحت تأثیر قرار داد؟ برای بررسی جامع این موضوع نک:

David Lelyveld, "The Fate of Hindustani: Colonial Knowledge and the Project of a National Language", *Colonialism and the Post Colonial Predicament: Perspective on South Asia*, ed. C. A. Breckenridge and P. V. D. Veer, Philadelphia, 1993, 202-204;

و برای نمونه‌های نخستین چاپ از لحاظ تفکیک زبان نک: Marc Garborieau. ص ۱۷۸-۱۷۶، ۱۸۵-۱۸۱.

4. J. K. Majumdar, "The Abolition of Persian as Court Language in British India", *Bombay University Journal*, Bombay, No. 16, Sep. 1947, p. 131.

اجتماعی و علمی آن و فعالیت‌های چاپ زد و عکس‌العمل خشمناک مسلمانان را برانگیخت. اگر چه دولت بریتانیا برای فرونشاندن خشم مسلمانان، بنابر مصلحت تصمیم گرفت که زبان‌های بومی (همچون اردو) نیز به عنوان زبان متبادل رایج شوند، اما این اقدام دولت هم نتوانست رضایت مسلمانان را جلب کند. در اوایل ۱۸۳۹م / [۱۲۵۴هـ] پانصد نفر از شهروندان داکا در حمایت فارسی و مخالفت زبان بومی - بنگالی - که به جای فارسی رسماً رایج شده بود، کتباً به دولت یادداشت اعتراض دادند.^۱ اما در شبه‌قاره اوضاع به وفق فارسی نبود. پس از طرد فارسی از اداره‌ها و دادگاه‌ها، اکنون به تدریج از آموزشگاه‌ها و مدارس نیز اخراج می‌شد. این امر به حیثیت اجتماعی فارسی سخت خدشه وارد کرد. این پیش‌آمد به محدودتر شدن فعالیت‌های چاپ فارسی انجامید.

→

طبق مصوبه ۱۸۳۷م / [۱۲۵۳هـ]، ش ۱۹، به نایب السلطنه اختیار داده شد که او می‌تواند به جای فارسی، انگلیسی یا یکی از زبان‌های بومی را برای امور دادگاه و ادارات جانشین کند، همان مأخذ، ص ۱۳۶. یک سال بعد در ۱۸۳۸م / [۱۲۵۴هـ] این مصوبه بایستی تماماً اجرا می‌شد، همان مأخذ، ص ۱۳۶-۱۳۷. در استان متحد (UP)، در بعضی مناطق، حتی این تصمیم در ۱۸۳۵م / [۱۲۵۱هـ] به اجرا درآمده بود. نک:

Christopher R. King, *One Language Two Scripts: The Hindi Movement in 19th century North India*, Bombay, 1994, p. 57.

۱. در میان افرادی که به این اقدام اعتراض کردند، دویست نفر هندو هم بودند، نک: J. K. Majumdar، ص ۱۳۸-۱۳۷، معترضین شهر داکا دلایلی در حق فارسی داشتند، با توجه به یادداشت اعتراض آنان، دلایلشان بررسی شده است، نک:

Ramesh Chandra Srivastava, *Development of the Judicial System in India Under the East India Company 1833-58*, Lucknow, 1971, p. 199-201; Christopher R. King, p. 54-63, 70-75.

حال فعالیت چاپ فارسی منحصر به تأمین نیازهای صرفاً علمی و مذهبی و ذوق ادبی مسلمانان بود یا آنچه مصالح مطبع نول‌کشور و سایر چاپخانه‌های وقت ایجاب می‌کرد.

در مرحله نخستین چاپ سنگی، غالب کتاب‌های فارسی در لکهنو چاپ می‌شد^۱، اما در شهرهای دیگر نیز چاپ فارسی ادامه داشت. تمرکز چاپ فارسی تا آخر ق ۱۹م / [۱۴-۱۳ه] در شهرهای کان‌پور و لکهنو بود، زیرا دو چاپخانه بزرگ «مصطفایی» و «نول‌کشور» در این دو شهر فعال بودند و چاپخانه‌های دیگر نیز در آن‌جا دایر بودند. بمبئی، مدراس، کلکته، دهلی، حیدرآباد دکن نیز به مراکز چاپ فارسی تبدیل شدند. تا نیمه دوم ق ۱۹م / [۱۳ه] چاپخانه‌های متعدد در آن شهرها کار می‌کردند و از خود به چاپ کتاب‌های فارسی علاقه نشان دادند. در نیمه ق ۱۹م / [۱۳ه] در دیگر شهرها نیز چاپخانه‌هایی دایر بودند و شمار چشمگیری از کتاب‌های فارسی به چاپ می‌رسید^۲. پس از ۱۸۳۷م / [۱۲۵۳ه] - که زبان فارسی کلاً از رسمیت انداخته شد - تا ۱۸۵۷م / [۱۲۷۳ه] - که سال جنگ آزادی است - وضع چاپ فارسی همچون گذشته برقرار ماند. اما عدم پیروزی مسلمانان در جنگ آزادی، اقتدار و حیثیت فرهنگی آنان را کلاً رو به زوال نهاد و مسلمانان به صدمه‌هایی دچار شدند. کاربرد روزافزون زبان اردو در زندگی علمی و آموزشی مسلمانان، و به‌طور کلی گسترش این زبان در هندوستان، به حیثیت

1. D. E. Rhodes, *The Spread of Printing, Eastern Hemisphere*, London, 1969, p. 55.

۲. برای اطلاعات مفصل درباره چاپخانه‌های شهرهای مختلف مأخذ پیشین از نادر علی خان بسیار مفید است.

باقی مانده فارسی مزید صدمه را وارد کرد. آمار کتاب‌های چاپ شده در صوبه متحد [ایالت اتارپردیش فعلی هند که مرکز آن لکهنواست] در دهه‌های متعاقب [جنگ آزادی] به خوبی نشان‌گر افول فارسی است.^۱

سال	شمار عنوان‌های کتب چاپ شده فارسی
۱۸۸۱-۹۰ م / [۱۲۹۸-۱۳۰۸ هـ]	۱۰۲۲
۱۸۹۱-۱۹۰۰ م / [۱۳۰۸-۱۳۱۸ هـ]	۶۱۵
۱۹۰۱ م / [۱۳۱۹ هـ]	۶۳
۱۹۰۲ م / [۱۳۲۰ هـ]	۳۸
۱۹۰۳ م / [۱۳۲۱ هـ]	۴۴
۱۹۰۴ م / [۱۳۲۲ هـ]	۳۶
۱۹۰۵ م / [۱۳۲۳ هـ]	۳۲
۱۹۰۶ م / [۱۳۲۴ هـ]	۲۳
۱۹۰۷ م / [۱۳۲۵ هـ]	۸
۱۹۰۸ م / [۱۳۲۶ هـ]	۱۵
۱۹۰۹ م / [۱۳۲۷ هـ]	۲۵
۱۹۱۰ م / [۱۳۲۸ هـ]	۲۰

تناسب ماهانه چاپ کتاب‌های فارسی که پیش‌تر ۱۰۲ عنوان بود، اینک به ۳۰

1. Census Report, 1911, United Province, part. I, Table X, p. 277,

به استناد:

Francis Robinson, *Separatism Among Indian Muslims: The Politics of the United Provinces Muslims 1860-1923*, Cambridge, 1974, p. 77.

عنوان تنزل پیدا کرد. اگر بخواهیم وضع چاپ کتاب‌های فارسی را از نظر شمارگان بررسی کنیم، جدولی به شرح زیر ترسیم می‌شود:

شمارگان	سال
۷۴۲۵۵	۱۹۰۰م / [۱۸-۱۳۱۷هـ]
۲۴۹۷۵	۱۹۱۴م / [۳۳-۱۳۳۲هـ]
۱۰۸۰۰	۱۹۲۵م / [۴۴-۱۳۴۳هـ]

در دوران انحطاط فعالیت‌های چاپ فارسی، فقط کتب درسی و متون مذهبی فارسی چاپ می‌شد؛ یا کسانی که به ادبیات فارسی علاقه داشتند خودشان اقدام به چاپ کتب فارسی می‌کردند یا مراکز علمی و مؤسسات تحقیقاتی برای نیل به اهداف خود انتشارات فارسی داشتند. در ق ۱۹م / [۱۳هـ] خدمات انتشاراتی انجمن آسیایی بنگال، کلکته شایسته ذکر است که متون مهم تاریخی قرون میانه را با بهترین روش تصحیح و تحقیق ارائه کرد.^۲ تا اوائل ق ۲۰م / [۱۴هـ] انجمن مزبور به نشر متون فارسی همت گمارد اما بعدها از آن منصرف شد. اداره «دائرة المعارف» حیدرآباد دکن از بدو تأسیس (۱۸۹۰م / [۸-۱۳۰۷هـ]) علاوه بر متون عربی، به انتشار متون فارسی نیز مبادرت ورزید، اما پس از سقوط حیدرآباد دکن (۱۹۴۸م / ۱۳۶۷هـ) فعالیت‌های آن محدودتر گردید. کتابخانه دولتی

۱. این آمار را کریستوفر کینگ از گزارش چهارماهه مطبوعات استان شمال غربی و آود (North West Province and Oudh Quarterly Publication Report) تهیه کرده

است، نک: Christopher R. King، ص ۳۸.

۲. فهرست کتاب‌های چاپ شده را می‌توان در یکی از نشریه‌های انجمن *Index to the Publications of Asiatic Society of Bangal 1788-1953*, 2 parts, Calcutta, 1959

دید. فهرست کتاب‌های چاپی عربی و فارسی انجمن در بخش دوم، ص ۳۵۶-۳۳۹ آمده است.

دست‌نویس‌های شرقی (Government Oriental Manuscripts Library) مدراس علاوه بر نشر فهرس نسخه‌های خطی، اهتمامی به نشر متون فارسی نیز داشت. کتابخانه عمومی شرقی خدابخش (*Khuda Bakhsh Oriental Public Library*) در ابتدا فعالیت انتشاراتی خود را به فهرست‌های نسخه‌های خطی کتابخانه [به زبان انگلیسی] محدود کرد اما در چند سال اخیر متون فارسی را نیز منتشر می‌کند. در ق ۲۰ م / [۱۴هـ] گروه‌های زبان و ادب فارسی بعضی دانشگاه‌ها یا مؤسسات تحقیقاتی وابسته دانشگاه‌ها نیز در تصحیح و انتشار متون فارسی اهتمامی داشته‌اند. مثل دانشگاه [اسلامی] علی‌گره، دانشگاه مدراس، دانشگاه کلکته، جامعه عثمانیه، حیدرآباد دکن، دانشگاه پنجاب، لاهور و غیره. اما این فعالیت عمومیت نداشت.

از زمان تجزیه هندوستان (۱۹۴۷ م / ۱۳۶۶هـ) زبان فارسی بیشتر رو به اضمحلال و زوال کشید. در هند تاریخ و فرهنگ اسلامی و تمام آثار آن، حتی زبان اردو با عدم حمایت دولت و تعصب روبه‌رو شد.^۱ زبان اردو در آسیای جنوبی فقط متعلق به مسلمانان نبود بلکه میراث مشترک اقوام منطقه بود. اردو زبان روزمره و علمی و تعلیمی اقوام غیر مسلمان بود و خدمات ادبی

۱. پس از تجزیه هندوستان، دولت‌های هند و حزب‌های تندرو هندو با اردو برخورد دشمنانه داشته‌اند. نک:

Bruce Graham, *Hindu Nationalism and Indian Politics*, Cambridge, 1992, p. 99, 111, 113-122, 256; P. R. Brass, *Politics of India Since Independence*, Cambridge, 1994, p. 158, 162-178, 179-182; Donald E. Smith, *India as a Secular State*, Princeton, 1963, p. 423-27; Sharif al Mujahid, *Indian Secularism*, Karachi, 1970, p. 160-176; Omar Khalidi, *Indian Muslims Since Independence*, Delhi, 1995, p. 137-147.

آنان به اردو کم نیست. در چنین وضعی چه جایی برای احیای فارسی مانده است؟ اکنون فارسی به عنوان یک درس اختیاری در چند بخش فارسی بعضی دانشگاه‌ها محدود شده است. و برخی سازمان‌ها و مؤسسه‌های تحقیقاتی و علمی چون «مؤسسه عربی و فارسی مولانا ابوالکلام آزاد» (Maulānā Abual Kalām Arabic and Persian Institute) در تونک (Tonk) و «اداره تحقیقات عربی و فارسی» (Institute of Post Graduate Studies and Research in Arabic and Persian Learning) در پتنا (Patna) و مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند وابسته راینی فرهنگی سفارت ایران در دهلی نو کتاب‌های فارسی منتشر می‌کنند.

در پاکستان نیز وضع مشابهی است. با توجه به تناسب جمعیت و مساحت این کشور مؤسسات علمی و پژوهشی در این جا کم تر است و گنجینه‌های کتب نیز محدود است، زیرا بیشتر ذخائر علمی در هند مانده است. [خانواده‌های مسلمان به ناچار کتابخانه‌های شخصی خود را در هند گذاشته به پاکستان مهاجرت کردند]. مؤسساتی همچون «مجلس ترقی ادب» لاهور، «اقبال اکیدمی پاکستان» [قبلاً در کراچی، حالا در] لاهور، «پنجابی ادبی اکادمی»، لاهور، دانشگاه پنجاب، لاهور، «اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب»، لاهور، سندی ادبی بورد / سندی ادبی اکادمی، حیدرآباد متون فارسی منتشر کرده‌اند. از میان تمام مؤسسات، «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان»، اسلام‌آباد، هر چه بیشتر به فارسی اهمیت داد و علاوه بر جمع‌آوری کتب چاپی و خطی فارسی، به نشر متون فارسی و تألیفات ادبی و مرجع و تهیه و نشر کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌ها نیز پرداخت. امروزه نشر کتاب‌های فارسی در پاکستان تا حدودی منحصر به همین مرکز شده است.

◀ V. سیری کوتاه در فهرست نویسی کتاب های فارسی

برای سیر و بررسی وضع چاپ کتاب های فارسی در شبه قاره علاوه بر اعلامیه هایی که سازمان های مربوطه دولتی تهیه و نشر می کردند^۱، از کتاب شناسی هایی نیز می توان استفاده کرد که به روش های مختلف تدوین چاپ می شدند. [در ابتدا] بیشتر کتاب شناسی ها عمومی بود و هنوز سنت تدوین کتاب شناسی های ویژه فارسی آغاز نشده بود^۲. از اعلامیه های مذکور به دست می آید که هر چاپخانه، از نظر مقررات مطبوعات، سازمان متبوع دولتی را از فعالیت های خود در جریان می گذاشت و لیست انتشارات خود را به آن تحویل

۱. مثلاً: *Statement of Particulars Regarding Books and Periodicals Published in the North Western Provinces and Oudh* که در سال های ۱۸۶۸-۱۹۵۹ م با عناوین مختلف منتشر می شده است و یا همچون گزارش های رسمی که در سال های ۱۸۵۸-۱۸۴۸ م منتشر شده و مربوط به فعالیت های چاپخانه های مناطق مختلف است و در *Selections From the Records of the Govt. of North Western Provinces* بخش چهارم، ص ۱۶۰-۱ قرار دارد. محمد عتیق صدیقی این گزارش ها را به اردو ترجمه کرده و با نام صوبه شمالی و مغربی کی اخبارات و مطبوعات، علی گره، ۱۹۶۲ م منتشر کرده است.

۲. مثلاً فهرست کتابخانه عمومی کلکته به نام *Catalogue of Calcutta Public Library*، کلکته، ۱۸۴۶ م. انتشار فهرست های کتاب های چاپی زبان های مختلف در میانه ق ۱۹ م آغاز شده بود، همچون فهرست کتاب های چاپی بنگالی: James Long, *Grunthavali: An Alphabetical List of Works Published in Bengali*، کلکته، ۱۸۵۲ م، که چاپ دوم آن به عنوان: *Descriptive Catalogue of Bengali Works*، کلکته، ۱۸۵۵ م، یا فهرست کتاب های چاپی اردو: Herbert U. Wietbrecht, *A Descriptive Catalogue of Urdu-Christian Literature*، لاهور، ۱۸۸۶ م. اما تا آن موقع فهرست نویسی به زبان انگلیسی محدود بوده است.

می‌داد. اعلامیه‌ها براساس همین لیست‌ها تهیه می‌شد.^۱ در جهان غرب از دیرباز سنت تهیه و تنظیم فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها دایر بود اما در شبه قاره این سنت زمانی اجرا شد که فرنگی‌ها با صنعت چاپ در آن جا پانهادند.^۲ سنت فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی (از آن جمله دست‌نویس‌های اردو و عربی) در شبه قاره آغاز شده بود^۳ و فهرست‌ها کم‌کم چاپ و نشر هم می‌شد.^۴

۱. محمد عتیق صدیقی، مأخذ پیشین، ص ۸، ۹، مخصوصاً ص ۲۰۶. در سطح خصوصی نیز این گونه فهرست‌ها تهیه می‌شد. مثلاً رئیس دانشکده دهلی (Delhi College) آقای فرانسیس تیلر (Francis Taylor، د: ۱۸۵۷م) فهرستی از کتاب‌های چاپی هند را برای گارسن دُتاسی [به پاریس] ارسال نمود. نک: گارسن دُتاسی، خطبات گارسان دُتاسی، خطبه هفتم، ترجمه سید وهاب الدین، اردو، اورنگ آباد، ژوئیه ۱۹۲۹م، ص ۳۷۳. آقای هنری راسل (Henry Russell) وابسته (Resedent) ریاست حیدرآباد در سال‌های ۱۸۲۰-۱۸۱۱م نیز چنین فهرستی به ویلیام ارسکاین (William Erskine، ۱۸۵۲-۱۷۷۳م) ارسال داشت که در کتابخانه بریتانیا، لندن، ش Add. 26, 321 A-B موجود است.

۲. برای مشخصات چنین فهرست‌ها نک: Graham Shaw, *SABREB*، ص ۲۴۰، ۲۴۷، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۳، ۳۰۸، ۳۱۰. شاید اولین فهرست به زبان ملیالم تهیه شد که در چاپخانه امبال کادو به چاپ رسیده بود و نسخه‌ای از آن در رُم موجود است، نک: *Descriptive Catalogue of Cary Exhibition of Early Printing and Fine Art Printing*، کلکته، ۱۹۵۵م، ص ۱، به استناد عتیق صدیقی، هندوستانی اخبارنویسی، ص ۳۹.

۳. این گونه فهراس متعلق به کتابخانه‌ها یا گنجینه‌های شخصی بود و طبع نشده است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های مختلف دنیا موجود است. مثلاً در کتابخانه ملی پاریس در بخش دست‌نویس‌های فارسی، نسخه ش ۸۳۸ دو فهرست کتابخانه سلطنتی بیجاپور و فهرست کتابخانه نواب منیرالملک بهادر را در بر می‌دارد. فهرستی از کتابخانه اخیر در کتابخانه بریتانیا، لندن، ش Or. 2063 هم موجود است. در کتابخانه بریتانیا، لندن شماری

فهرست‌های مذکور به تایپ نسخ و نستعلیق چاپ می‌شد. ظاهراً نخستین فهرست چاپ شده فهرست کتب قلمی و مطبوع کتب خانه ایشیاتک سوسائتی... مع کتب خانه فورت ولیم یعنی مدرسه انگریزی شهر کلکته که نقل و تحویل درین کتب

→

از فهارس مشابه نگه‌داری می‌شود. مثلاً ش Add. 16,720, Add. 24,042, Add. 25,864, Or. 2063, Or. 2075. در فهرستی که تحت ش Or. 2069 نگه‌داری می‌شود نام کتب چاپی بدون هیچ‌گونه مشخصات کتاب‌شناختی آمده است. فهرستی در کتابخانه ملا فیروز بمبئی نیز موجود است (نک: E. Rehatsek, *Cat. Raisonne of the Arabic, Hindostani, Persian and Turkish Mss. in the Mulla Firouz Library*, Mumbai, 1873, p. 101). در کتابخانه بادلیان، آکسفورد، ش Persian Ms. Ousley, Add. 10 «فهرست کتب خانه اچهی صاحب» موجود است که متعلق به کتابخانه شاهزاده بلند اختر معروف و متخلص «اچهی» صاحب، برادر محمد شاه پادشاه (حک: ۶۱-۱۱۳۱ هـ / ۴۸-۱۷۱۹ م) است. فهرست مذکور را شیخ شرف علی در ۱۲۱۱ هـ / ۱۷۹۷ م تهیه کرده بود و از نظر زمان، اولین فهرست کتابخانه هندوستانی است. از کتابخانه‌های مختلف بیش از یک فهرست تهیه شده است. مثلاً کتابخانه سلطنتی بیجاپور، کتابخانه نواب منیر الملک، کتابخانه دانشکده فورت ویلیام، کلکته، که از این یکی پیش از ۱۸۱۲ م / [۱۲۲۷ هـ] فهرستی تهیه شده بود و در کتابخانه بریتانیا، لندن، ش Add. 24,042 موجود است. رونوشت آن یا فهرستی جداگانه به عنوان «فهرست کتب خانه سرکار» در انجمن سلطنتی آسیایی، لندن، ش M. Ms. cat. 162 نگه‌داری می‌شود. در فهرست تهیه کرده مولوی ظهور علی - که ذکرش در سطور آینده خواهد آمد - نیز کتاب‌های این کتابخانه فهرست‌نویسی شده است. در انجمن سلطنتی آسیایی، لندن «فهرست کتاب‌ها» متعلق به کتاب‌های عربی، فارسی و هندی کتابخانه فرزاده کول، تحت ش M. Ms. cat. 162 A موجود است.

۴. مثلاً فهرست کتابخانه دانشکده فورت سینت جارج، مدراس به عنوان: *A Catalogue Raisonne of Oriental Mss. in the Library of the College of Fort St. George* در سه جلد در ۶۲-۱۸۵۷ م در مدراس چاپ شد.

رسیده تألیف منشی ظهور علی بریلوی است که در ۱۲۵۳ هـ / ۱۸۷۳ م در مطبع گلدسته نشاط، کلکته، به چاپ رسید. در این فهرست مشخصات به ترتیب الفبایی عنوان کتاب‌ها با ذکر موضوع و نام مؤلف آمده است. به نسخه‌های مکرر هر کتاب نیز اشاره شده است. فهرست کتاب‌های خطی و چاپی درهم است، اما خطی یا چاپی بودن آن‌ها مشخص گردیده است و به کتب چاپ سنگی مخصوصاً اشاره شده است. وضعیت فعلی نسخه / کتاب نیز بیان شده است. در این فهرست ۱۳۹۱ مجلد کتاب چاپی فارسی ثبت شده است. مؤلف در خصوص کتب چاپی اصلاً محل و سال چاپ و نام چاپخانه / ناشر را ذکر نکرده است.^۱

در ق ۱۹ / [۱۳ هـ] کتاب‌شناسی‌هایی که به تایپ نسخ یا نستعلیق چاپ می‌شد و در آن‌ها کتاب‌های فارسی نیز ثبت می‌گردید بیشتر متعلق به یک کتابخانه بود. لیست‌هایی نیز چاپ می‌شد که جنبه تجاری داشتند. مثلاً مطبع نول‌کشور لیست انتشارات خود را به نام فهرست کتب موجوده مطبع نول‌کشور واقع لکهنو و کانپور را بار اول در ۱۸۷۴ م / [۱۲۹۱ هـ] چاپ و بار دوم در ۱۸۷۹ م / [۱۲۹۶ هـ] تجدید چاپ کرد. در منابع ذکری از فهرست مبسوط دینیات

۱. ظاهراً منشی ظهور علی به فهرست استوارت (یعنی Stuart, Descriptive Catalogue of the Oriental Library of the Late Tipu Sultan of Mysore، کمبریج، ۱۸۰۹ م) توجه نداشته که از بیشتر این‌گونه نواقص پاک بود. فهرست انجمن آسیایی، کلکته، پیش‌تر در ۱۸۳۳ م منتشر شد. نک: بمل کماردت، هندوستان کی زمانه قدیم و وسطی کی کتب‌خانی، ترجمه اردو سر تاج عالم عابدی، دهلی، ۱۹۷۹ م، ص ۱۰۰، بعدها ای. راک (E. Rock) فهرست مشروح کتاب‌های به زبان‌های اروپایی انجمن را به زبان انگلیسی تهیه کرد، نک: همان مأخذ.

اسلام نیز آمده است.^۱ بیشتر از این گونه کتاب‌شناسی‌هایی که جنبه تجاری داشتند و یا متعلق به یک کتابخانه بودند، سراغ نداریم.^۲ در ق ۲۰ / [۱۴هـ] چون چاپ کتاب‌های فارسی محدودتر شده بود، در نتیجه در لیست‌های تجاری نیز کتب چاپی فارسی کم‌تر ثبت می‌افتاد. البته در کتاب‌شناسی‌های ویژه کتابخانه‌های دولتی و خصوصی، همراه با کتب سایر زبان‌ها، کتاب‌های فارسی نیز به فراوان ثبت گردیده است. این گونه کتاب‌شناسی‌ها در حجم بزرگ و تا حدودی حاوی اطلاعات مفیداند. روش تألیفی آن‌ها یا موضوعی است یا الفبایی و یا بر حسب نام مؤلفان. محل طبع و سال طبع و ویژگی نیز ذکر می‌شود، حتی درباره مؤلف و تألیف به تقلید از کتاب‌شناسی‌های عربی اطلاعات لازم

-
۱. فهرست مبسوط دینیات اسلام را محمد ظهیرالدین بلگرامی، (مأخذ پیشین، ص ۱۶۷) نام برده است. اما این فهرست در دست نیست. ممکن است منظور مؤلف یکی از فهراس مطبع نول کشور باشد که در آن کتاب‌های دینی اسلام به طور مشروح ثبت شده است.
 ۲. فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی به زبان انگلیسی، به فهراس دانشکده فورت سینت جارج، مدراس؛ انجمن آسیایی بنگال، کلکته و دانشکده فورت ویلیام، کلکته محدود بوده است. بعدها دو فهرست به زبان انگلیسی از کتاب‌های فارسی تهیه شد، یکی متعلق به انجمن آسیایی کلکته بود با این مشخصات:

Catalogue of Persian Books and Manuscripts in the Library of the Asiatic Society of Bengal Calcutta, by Mirza Ashraf Ali, Calcutta, 1892.

و دیگری فهرست گنجینه حیدرآباد در انجمن آسیایی، کلکته، که این یکی نیز به اهتمام انجمن مذکور با این مشخصات نشر شد: *Shorter Hand-List of the Hyderabad Collection, Calcutta*، و سپس فهرست مؤلفان همان گنجینه با این مشخصات منتشر

شد:

Author Catalogue of the Hyderabad Collection of Manuscripts and Printed Books, Calcutta, 1913.

در اختیار گذاشته شده است. از میان این نوع کتاب‌شناسی‌ها می‌توان از اولین کتاب محبوب *الالباب فی تعریف الکتب و الکتاب* نام برد که خدابخش خان (۱۹۰۸-۱۸۴۲ م / [۱۳۲۶-۱۲۵۸ هـ]) مؤسس کتابخانه خدابخش، پتنا، تهیه کرد و خودش در ۱۸۹۸ م / [۱۳۱۶ هـ] آن را در پتنا منتشر کرد.^۱ در این کتاب‌شناسی اغلب نسخه‌های خطی کتابخانه خصوصی مؤلف فهرست شده، ولی فهرست کتاب‌های چاپی نیز دیده می‌شود و در میان کتاب‌های چاپی شمار بیشتر از آن کتاب‌های فارسی است. مؤلف درباره پدید آورندگان آثار و خود آثار به تفصیل پرداخته است، اما از دادن بقیه اطلاعات کتاب‌شناختی صرف نظر کرده است. در خصوص کتب چاپی گاهی به محل و سال طبع اشاره می‌کند. می‌توان گفت که این کتاب در نوع خود نخستین فهرستی بوده که در شبه قاره سرمشق قرار گرفت و در سال‌های بعد کتابخانه‌های دولتی و خصوصی شبه قاره چندین فهرست کلان و پُر از اطلاعات تهیه و عرضه کردند، همچون فهرست کتب عربی، فارسی و اردو مخزونه کتب‌خانه آصفیه، حیدرآباد دکن، ۳۳-۱۳۳۲ هـ / ۱۴-۱۹۱۳ م؛ فهرست کتب موجوده کتب‌خانه عام اهل اسلام مدراس...، مدراس، ۱۳۳۴ هـ / ۱۹۱۶ م، باضمیمه‌ای که در [۱۳۴۲ هـ] / ۱۹۲۴ م طبع شد؛ *لباب المعارف العلمیه فی مکتبه دار العلوم اسلامیّه*، پشاور، تألیف مولوی عبدالرحیم، ۲ ج، آگره، ۱۹۱۸ م و لاهور، ۱۹۳۹ م؛ فهرست کتب‌خانه مدرسه محمدیه متعلق به جامع مسجد بمبئی، بمبئی، ۱۳۴۱ هـ / ۱۹۲۲ م. در فهرس مذکور کتاب‌های زبان‌های مختلف در هم فهرست‌نویسی شده است و در روش تا حدی تقلیدی از فهرست‌نویسی عربی است. فهرسی که بعد از آن تألیف و چاپ شده اگر چه

۱. چاپ عکسی آن، از سوی کتابخانه خدابخش، پتنا، در ۱۹۹۱ م به عمل آمد.

تقلیدی از فهرست‌های پیشین بوده، اما مثل آن‌ها قطور نبوده و اطلاعات کمتری درباره مؤلفان و آثار را دربرمی‌داشتند و از نظر اطلاعات کتاب‌شناختی مثل عنوان، موضوع، مؤلف، ناشر، محل طبع، سال طبع، شمار صفحات، اندازه، چگونگی، سوابق چاپ [در مورد کتب چاپی] یا نسخه‌های دیگر [در مورد کتب خطی] معدودی چند فهرست را می‌توان جامع و کامل قلمداد کرد. هر چه فهرست تألیف شده - خواه به زبان فارسی بود - از نظر محتویات معرف کتاب‌های چاپی و خطی زبان‌های مختلف بوده است. روی هم رفته هدف اصلی فقط فهرست‌سازی کتاب‌های فارسی نبوده است. لذا می‌توان گفت که در شبه قاره کتاب‌شناسی‌های ویژه کتب چاپی فارسی بسیار کم تهیه و چاپ شده است. ما در این جا به استثناء از فهرست چاپ‌های آثار سعدی در شبه قاره و چاپ‌های شرح و ترجمه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های آثار وی، تألیف عارف نوشاهی، چاپ اسلام آباد، ۱۳۶۳ هـ.ش، و فهرست انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، تألیف محمد حسین تسبیحی، چاپ اسلام آباد، ۱۳۷۰ هـ.ش صرف نظر می‌کنیم، زیرا اولی فهرست موضوعی است و دیگری مخصوص به انتشارات یک مؤسسه است. این نوع کتاب‌شناسی‌ها را نمی‌توان به همین دو فهرست محدود کرد. اما یگانه کتاب‌شناسی کتب چاپی فارسی فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، تألیف عارف نوشاهی است که در دو جلد در اسلام آباد، ۶۹-۱۳۶۵ هـ.ش، در ۱۴۱۸ صفحه منتشر شده است.

آقای دکتر عارف نوشاهی اگر چه تاکنون چند تحقیق آبرومندانه و شاخص انجام داده است، اما تخصص او در فهرست‌نویسی و کتاب‌شناسی است و آثار

چاپ شده^۱ او^۱ بیشتر در زمینه کتب خطی و چاپی است. فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی... در سطح شبه قاره تنها فهرستی است که فقط با کتب چاپی فارسی سروکار دارد و ضمناً از دیدی دیگر نیز منحصر به فرد است، زیرا در آن از روش قدیم فهرست‌نویسی کتب عربی و فارسی انحراف شده و سعی گردیده که اطلاعات لازم کتاب‌شناختی مطابق با اصول نوین ارائه شود. در این کتاب‌شناسی که به ترتیب موضوعی گردآمده، اطلاعاتی درباره مؤلف، موضوع، محتویات، عبارت سرآغاز، سال طبع، محل طبع، ناشر، اهتمام‌کننده و گاهی خوش‌نویس کتاب به خوانندگان داده شده است و در پایان جلد دوم فهرست اعلام کتب و مؤلفان نیز اضافه گردیده است. قبل از این کتاب، در تاریخ فهرست‌نویسی شبه قاره این‌گونه خصوصیات در یک کتاب‌شناسی جمع نشده است.

دکتر عارف نوشاهی به تألیف کتاب‌شناسی فهرست نسخه‌های خطی شبه قاره نیز پرداخته است که کاری منحصر به فرد است. اگر چه در شبه قاره کتاب‌شناسی‌های مراجع تدوین شده است^۲ اما آن‌ها مورد بحث و موضوع ما

۱. مثلاً علاوه بر فهرست مذکور، آثاری به این شرح: فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، اسلام‌آباد، ۱۳۶۲ هـ.ش؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی انجمن ترقی اردو کراچی، اسلام‌آباد / راول پندی، ۱۳۶۳ هـ.ش؛ ثلاثه غساله تألیف حکیم حبیب الرحمان، تدوین عارف نوشاهی، لاهور، ۱۹۹۲ م [کتاب‌شناسی آثار عربی، فارسی و اردوی تألیف شده در بنگال است]؛ فهرست مخطوطات کتابخانه نوشاهیه، اسلام‌آباد، ۱۹۸۹ م؛ [تدوین جلد چهاردهم فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان تألیف احمد منزوی، اسلام‌آباد، ۱۳۷۵ هـ.ش / ۱۹۹۷ م].

۲. همچون کتب مراجع خدابخش لائبریری مین (جزوی فهرست)، گردآورده محمود حسین قیصر، پتنا، ۱۹۹۵ م، ص ۱۴-۱۰.

نیستند. صرف نظر از کتاب‌شناسی‌های فهرس کتابخانه‌های خارج از شبه قاره - که سنت دیرینه‌ای دارد -، کتاب‌شناسی‌های فهرس نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شبه قاره بسیار محدود بوده است^۱ و دکتر عارف نوشاهی به تهیه این گونه کتاب‌شناسی‌ها [مربوط به نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی به خط فارسی] پرداخته است. او نخست مقاله‌ای مفصل تحت عنوان «کتاب‌شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی پاکستان» را در مجله تحقیق، لاهور، ج ۴، ش ۱، ۱۹۸۱م منتشر کرد و بعدها آن را توسعه داده و به صورت کتابی به نام پاکستان مین مخطوطات کی فهرستین (اسلام آباد، ۱۹۸۸م) منتشر ساخت. او کتاب‌شناسی‌های مشابهی برای فهرس نسخه‌های خطی کتابخانه‌های هند و افغانستان و ایران نیز تألیف کرده که به ترتیب به عنوان‌های بهارت مین مخطوطات کی فهرستین (لاهور، ۱۹۸۹م) و ایران اور افغانستان مین مخطوطات کی فهرستین (لاهور، ۱۹۹۳م) منتشر شده‌اند. آقای احمد منزوی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «نسخه‌های خطی در پاکستان» مندرج در مجله کلک، تهران، شماره پیاپی ۹۳-۸۹، دسامبر ۱۹۹۷م، ص ۳۰۱-۲۸۷ علاوه بر ذکر فهرس پاکستان اندکی به سیر فهرست‌نویسی در پاکستان پرداخته است. دکتر عارف نوشاهی نیز در پیش‌گفتار پاکستان مین مخطوطات کی فهرستین، تاریخچه فهرست‌نویسی در

۱. در این زمینه در غرب بسیار کار شده است. کتاب‌شناسی‌های فهرس کتب خطی و چاپی‌ای که تهیه شده، شامل فهرسی که به زبان‌های بومی شبه قاره تألیف گردیده یا مربوط به کتابخانه‌ها و گنجینه‌های شبه قاره است نیز می‌شود. کتاب‌شناسی یانرت Klaus Ludwig Janret, *An Annotated Bibliography of the Catalogues of Indian Manuscripts*, part, I, Wiesbaden, 1965 شامل تمام فهرسی است که با نسخه‌های خطی (به جز فارسی، عربی و اردو) شبه قاره سروکار دارند.

پاکستان را گفته است. از این پژوهش‌ها، تصویری از ارتقای فهرست‌نویسی فارسی ترسیم می‌شود. اما لازم به ذکر است که در کتاب‌شناسی‌های مذکور فهرس کتاب‌های خطی و چاپی زبان‌های مختلف [عربی، اردو و دیگر زبان‌های بومی] احتوا شده است و منحصر به کتب فارسی نیست.

حُسن اتفاقی است که همه کتاب‌شناسی‌های فارسی شایسته ذکر را دکتر عارف نوشاهی تألیف کرده است و اینک تألیف کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره نیز ثمرهٔ مساعی اوست و علاقهٔ فراوان به کتاب‌شناسی و جدّیت و پشتکار او را در این موضوع نشان می‌دهد. امیدواریم این کتاب‌شناسی که منحصر به کتب چاپی فارسی شبه قاره است با محتویات خود مدرک و مرجعی برای اهل علم و تحقیق باشد و به کمک اطلاعاتی که در این کتاب گرد آمده، خلأهای متعدد زندگی علمی و فرهنگی شبه قاره پر شود و دستمایه‌ای برای نگارش تاریخ زبان و ادب فارسی در آسیای جنوبی باشد.

History of Persian Printing in the Indian Subcontinent

by
Moinuddin Aqeel

Translated by
'Arif Naushahi



Mirror of Heritage
(AYENE-YE MIRAS)

Semiannual Journal of Bibliography, Book Review and Text Information
New Series, Vol. 10, Supplement no. 25, 2012

**History of Persian Printing
in the Indian Subcontinent**

By: Moinuddin Aqeel

Translated by: 'Arif Naushahi

Proprietor: The Research Center for the Written Heritage

Managing Director: Akbar Irani

Editor-in-Chief: Hassan Rezai Baghbidi

Internal Manager: Hosna Sadat Banitaba

Editorial Board: Mahmoud Abedi (Professor, Tarbiyat Mu'alleh University), Mohammad Ali Azar-Shab (Professor, Tehran University), Habibullah Azimi (Assistant Professor, N. L. A. I.), Asghar Dadbeh (Professor, Allameh Tabatabayi University), Ahad Faramarz Qara-Maleki (Professor, Tehran University), Najaf-Qoli Habibi (Associate Professor, Tehran University), Ali Ravaghi (Professor, Tehran University), Ali Ashraf Sadeghi (Professor, Tehran University), Hamed Sedghi (Professor, Tarbiyat Mu'alleh University), Mansour Sefatgol (Professor, Tehran University)

Scientific Consultants: Ali Ale Davoud, Parviz Azkaei, Bert Fragner (Austria), Gholamreza Jamshidnezhad Avval, Jan Just Witkam (Netherlands), Paul Luft (England), Arif Naushahi (Pakistan), Ahmad Mahdavi Damghani (U.S.A.), Mahmoud Omidsalar (U.S.A.), Jamil Ragep (Canada), Hashem Rajabzadeh (Japan), Francis Richard (France), Mohammad Roshan, Akbar Soboot

Art Director: Mahmood Khani

Lithography and Printing: Noghre Abi

No. 1182, Second Floor, Farvardin Building, Between Daneshgah and Aburayhan Streets, Enqelab Avenue, Tehran, Postal code: 1315693519 – Iran

Tel.: + 98 21 66490612, Fax: + 98 21 66406258

ayenemiras@mirasmaktoob.ir / ayenemiras@gmail.com

<http://www.mirasmaktoob.ir>

<http://www.islamicdatabank.com>

<http://www.srlst.com>

http://www.islamicdatabank.com/farsi/f_default.asp